

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه برای خودشان است...»

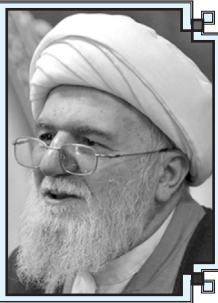
امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

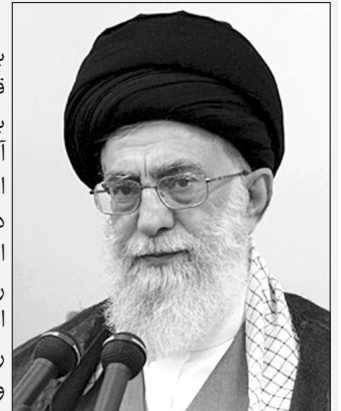
آیت الله تسخیری:

قرآن توصیه به زندگی عاری از خشونت می‌کند



سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۱ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۳ ♦ نیمه اول شهریور ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

رهبری از مسیر پیش رو برای تحقق تمدن اسلامی گفتند هنوز دولت و جامعه اسلامی نداریم



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با طلاب مدارس علمیه تهران، نکات قابل تأملی را نسبت به فرایند رسیدن به تمدن اسلامی و طی مراحل پنج‌گانه آن ارائه کردند. از جمله تأکید مجدد بر این مسئله که در حال حاضر در مرحله دولت‌سازی در فرایند تمدن‌سازی اسلامی باقی مانده‌ایم و فاصله تا رسیدن به تحقق دولت اسلامی بسیار است. ایشان طلاب را تشویق به تقویت روحیه مبارزه برای پیشبرد این مرحله و رسیدن به مرز جامعه اسلامی کردند و تأکید داشتند با نشستن و توقع داشتن

بدون عاملیت، به سوی مطلوب پیش نخواهیم رفت. بخش‌هایی از سخنان هفته گذشته ایشان که ناظر به مسئله ساخت تمدن اسلامی و موانع پیش روست در ادامه آمده است:

اینکه بعضی‌ها اینجور القا کنند، اینجور بنویسند و بگویند که «خب انقلاب یک حادثه‌ای بود، تمام شد، برگردیم به زندگی عادی»، این خیانت به انقلاب است؛ انقلاب تمام نمی‌شود. من آن روز در جمع این آقایان مسئولان گفتم، انقلاب هنجارهای گذشته را به هم می‌ریزد، هنجارهای جدیدی را در جامعه به وجود می‌آورد. حفظ این هنجارهای جدید، تداوم انقلاب است و اینها سخت است، اینها کارهای مشکلی است. همان دست‌ها و همان قدرت‌هایی که با اصل انقلاب با همه وجود مخالف بودند و کارشکنی می‌کردند، با همین تداوم هنجارهای انقلابی [هم] مخالفت خواهند کرد، دشمنی خواهند کرد، کمالینکه می‌بینید، دارند می‌کنند. بنابراین اگر انقلاب مبارزه لازم داشت تا به پیروزی برسد، امروز هم مبارزه لازم است تا بتوانیم این هنجارهای انقلاب را تثبیت کنیم، باید به نتیجه برسانیم تا جامعه بشود جامعه اسلامی. ما جامعه اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم! از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم، بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است، ما این مراحل را در پیش داریم.

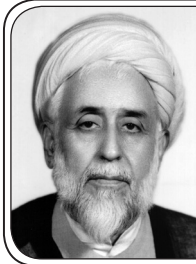
ما توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - به وجود بیاوریم، [بعد] توانستیم بر اساس آن یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ خیلی خوب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است؛ لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً! داریم پیش می‌رویم؛ با همه مخالفت‌ها، با همه کارشکنی‌ها، با همه دهن‌کجی‌هایی که می‌شود، حرکت می‌کنیم و پیش می‌رویم بلاشک داریم. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه اسلامی است. خوب، بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من.

آن روز هم در دوره قبل از انقلاب کسانی بودند که مبارزین را دوست می‌داشتند، اما خودشان دست به هیچ بخشی از مبارزه نمی‌زدند؛ اصلاً هیچ دامن را تر نمی‌کردند، اصلاً نزدیک میدان مبارزه هم نمی‌شدند، اما [آن را] دوست می‌داشتند و از مبارزین خوششان می‌آمد. حالا کسانی هم بودند که از مبارزین بدشان می‌آمد، کسانی هم بودند که با اینها دشمنی می‌کردند و با دشمن همکاری می‌کردند - اینکه به جای خود محفوظ - اما داخل آدم‌های خوب، کم نبودند کسانی که از مبارزین خوششان می‌آمد، اما وارد میدان مبارزه نمی‌شدند؛ خوب، اینها کاری نمی‌کردند. بله، آن روزی که جبهه دشمن ضعیف شد و معلوم شد که رژیم طاغوت رو به سقوط است، طبعاً آن سواد عظیم وارد میدان شدند که کار را یکسر کردند، اما در دوران سختی مبارزه، مبارزین [همان] عده‌ای بودند که تلاش می‌کردند و درون میدان بودند. امروز هم همان جور، همچنان که آن روز مبارزه لازم بود و کنار نشستن و مبارزین را دوست داشتن کافی نبود، امروز هم مبارزه لازم است؛ نشستن و مبارزین را مدح کردن و تمجید کردن، کافی نیست؛ باید وارد شد. البته مبارزه امروز با مبارزه آن روز تفاوت ماهوی دارد؛ لکن مبارزه، مبارزه است؛ تلاش است، مجاهدت است. راه این مبارزه را باید پیدا کنید.

در سوگ دوست دیرین:

عالمی روشن بین

دکتر سید محمد تقی صفحه ۲



«فتح‌الله گولن»، واعظ مخالف رئیس جمهوری ترکیه، درباره سیاست‌های آنکارا می‌گوید:

همکاری رجب اردوغان با حرکت «هزمت»

صفحه ۵



تداوم تعامل با مراجع

مسأله مهم فرهنگ، اخلاق و دین مردم شود. اتفاقاً تقویت مبانی دینی در جامعه می‌تواند به عملکرد متعهدانه مردم در عرصه اقتصاد و رونق این عرصه کمک کند. آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر ضرورت وحدت و انسجام ملی بین همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور اظهار داشت: همه باید متحد و دست در دست هم، از فضای انتخابات عبور کرده و به فکر ساختن کشور باشند. او در پایان با ابلاغ سلام و آرزوی توفیق برای دولت و رئیس جمهوری، خواستار توجه جدی‌تر به مدیریت فضای مجازی شد. محمود واعظی نیز در این دیدار با بیان اینکه هر بار که هر کدام از اعضای دولت خدمت مراجع محترم رسیدند، از این دیدارها بهره فراوان نصیب دولت شده است، گفت: بالاخره این دولت به اعتبار آقای دکتر روحانی، به نوعی دولت روحانیت است. به دنبال رابطه مستمر و نزدیک با مراجع عظام، علما و حوزه‌های علمیه هستیم.



محمود واعظی رئیس دفتر رئیس جمهوری در نخستین روزهای کاری دولت دوم دکتر حسن روحانی به قم رفت و با مراجع عظام تقلید و بعضی از علمای این شهر دیدار و گفت و گو کرد.

آیت‌الله وحید خراسانی: تند سخن گفتن با دنیا خدمت به اسرائیل است

آیت‌الله وحید خراسانی در دیدار رئیس دفتر رئیس جمهوری با آرزوی توفیق برای واعظی در مسئولیت جدیدش و ابلاغ سلام به رئیس جمهوری، گفت: اگر همه کارهای شما در خدمت به مردم و دین باشد، یاری خدا و کمک امام زمان هم شامل شما خواهد شد. بنده همواره برای موفقیت رئیس جمهوری و دولت دعا کرده و دعا خواهم کرد. مرجع معظم تقلید شیعه در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: باید همان گونه که خداوند به موسی فرمان داد که با فرعون با زبان نرم سخن بگوید، ما نیز با جهان با زبان خوش صحبت کنیم. صحبت کردن با زبان خشن و تند و باروش‌های افراطی با جهان، خدمت کردن به اسرائیل است. در ادامه این دیدار واعظی اظهار داشت: بنای دولت در ارتباط با مراجع عظام تقلید، علما و حوزه علمیه قم، صرفاً ملاقات‌های تشریفاتی نیست، بلکه به دنبال آن هستیم که به شکلی منظم و مستمر از نظرات و راهنمایی‌های مراجع برای بهبود برنامه‌ها، سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت بهره بگیریم.

آیت‌الله مکارم شیرازی: نقدها باید با ادبیات دوستانه باشد

آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار رئیس دفتر رئیس جمهوری که شامگاه چهارشنبه در دفتر وی برگزار شد، با بیان اینکه «همواره از رئیس جمهوری حمایت کرده‌ام»، گفت: عبور از رئیس جمهوری به هیچ وجه صحیح نیست. البته نادیده گرفتن کاستی‌ها را نیز حمایت از رئیس جمهوری نمی‌دانم. بنده حمایت از رئیس جمهوری و تذکر نقاط ضعف و کاستی‌ها، هر دو را وظیفه خود می‌دانم. نقد و تذکر البته نباید با زبان گزنده، بلکه باید با زبان و ادبیات دوستانه انجام شود. وی اصلاح نظام بانکی را از ضرورت‌های پیش روی دولت دوازدهم دانسته و تصریح کرد: نکته مهم دیگر که قبلاً هم بر آن تأکید کرده‌ام، اصلاح نظام پرداخت یارانه است. یارانه افراد غنی باید حذف شده و یارانه افراد ضعیف بیشتر شود. همچنین عمده یارانه باید به بخش تولید اختصاص یابد. آیت‌الله مکارم شیرازی اظهار داشت: مسائل اقتصادی بسیار مهم هستند، اما این تلاش برای حل این معضلات نباید باعث غفلت ما از

آیت‌الله سبحانی: تلاش دولت برای حل مشکلات بر کسی پوشیده نیست

آیت‌الله سبحانی نیز در این دیدار با بیان اینکه بنده از سوابق درخشان آقای دکتر روحانی مطلع هستم و سوابق خدمات ایشان در دولت یازدهم نیز بر همگان مشهود است، گفت: تلاش‌های دولت برای ارتقای سطح معیشت مردم بر کسی پوشیده نیست، اما راه حل اساسی این مشکل فقط این است که اشتغال ایجاد شود و اشتغال وقتی رونق می‌گیرد که جلوی واردات بی‌رویه گرفته شود. این مرجع عالیقدر جهان تشیع اظهار داشت: مسأله دیگر که مانع رونق کسب و کار و تولید در کشور است، وجود سودهای بانکی و دریافت‌های دیرکرد برای این وام‌ها است. باید تلاش کنیم نظام بانکی کشور در راستای کمک بیشتر به تسهیل و رونق کسب و کار اصلاح شود و در این راستا لازم است از نظرات اقتصاددانان و کارشناسان دلسوز بهره گرفته و همه منابع اقتصادی را به خدمت بگیریم. آیت‌الله سبحانی با ابلاغ سلام به رئیس جمهوری، تصریح کرد که برای دوام توفیقات دولت دعا خواهد کرد.

واعظی در این دیدار با تبریک اعیاد قربان و غدیر و ابلاغ سلام رئیس جمهوری خدمت حضرت آیت‌الله سبحانی، گفت: خدمت شما رسیدیم تا در آغاز فعالیت دولت دوازدهم نظرات و رهنمودهای شما را برای برنامه‌ریزی در راستای اداره امور کشور و رسیدگی به مشکلات مردم اخذ کنیم.

... چندی پیش بود که دوستی از بیماری دوست بزرگوارم جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا خبر داد که به حالت بسیار وخیمی که کبدش از کار افتاده است، در خانه بستری است و به حالت «اغما» است. البته بعد از چند روز، سرانجام توانستم تلفنی حالش را پیروم و دعای خیری و عافیت طلبی درباره اش اداء کنم. تقریباً مرحوم حاج احمد غروی، از مدت های مدیدی بود که از درد جان کاهی که دکترها -خوش خیمش تشخیص داده بودند، رنج می برد. و سرانجام همان دوست عزیز تلفنی اعلام کرد که مرحوم غروی بدرود حیات گفت و در جوار رحمت حق قرار گرفت.

آشنایی با مرحوم حاج احمد آقای غروی

از همان دوران اوان جوانی طلبگی بود که در مدرسه طالیبه تبریز که مشغول تحصیل بودم، با قیافه جوانی متین و موقری آشنا شدم که او هم در همان مدرسه، مشغول به تحصیل بود. پس از پرس و جو معلوم شد که او فرزند مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد غروی توتونچی، یکی از علمای اوتاد و زاهد تبریز است. می باشد و تنها فرزند ذکور که می خواهد راه پدر را ادامه دهد...

خاندان غروی توتونچی، از خاندان های علمی و فقهی تبریز است که سابقه چندین صد ساله در تبریز دارند و به مانند دیگر خاندان های علمی شهر، که در ابعاد فرهنگی مذهبی شهر، اصالتی راتشکیل داده اند.

مرحوم آیت الله توتونچی از شاگردان مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم بود. مردی وارسته، باتقوا، زاهد، عالم و حقیقتاً چهره ای از صفا و نمادی از خلوص و وفا بود. او هرگز بار سنگین علمی را فروگذار نکرد و پس از مهاجرت از حوزه علمیه، ادامه مطالعه و تفکر علمی را با اعیان دیگر دینی همچون آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی و آیت الله میرزا عبدالله مجتهد سرابی، ادامه می داد و حتی در دوره سلطه فرقه دموکرات خائن، جلسه مباحثه سه نفره این بزرگواران، تعطیل نشد.

احمد کسروی با آن همه عناد و لجبازی که با جامعه روحانیت پیدا کرده بود، هنوز هم از دانش وافر و تقوای دروئی دو نفر از بزرگان علم و فقه و تقوا یاد می کند. او می گوید: من در محضر آیت الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی، هیئت و جبر می خواندم که حقاً عالم بزرگی بود و در محضر آیت الله شیخ حسین توتونچی (جد حاج احمد غروی) فقه و اصول تحصیل می کردم و جداً عالم باتقوایی بود.

آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی هم در «بحران آذربایجان» که خاطرات یکساله خود در روزهای بحرانی حاکمیت فرقه دموکرات است، در جایی به تلمذ احمد کسروی نزد آیت الله شیخ حسین توتونچی و پدر خود اعتراف دارد.

آری چنین است که اگر در فضای فرهنگی. دینی یک شهری نفوذ معنوی عالمان وارسته حاکم باشد، این نفوذ در تربیت اخلاقی و دینی نسل جوان آن جامعه نقش بسزایی خواهد داشت. و چنین بود که مردم شهر ما، هم آزادی خواه بودند که ستار خان داشتند و شیخ محمد خیابانی را و هم دیندار و متدین که تربیت دینی عالمان وارسته، در ذهنیت خود آگاه حتی ناخود آگاه آنان، اثر داشته است.

سفر برای تکمیل تحصیلات

در سال ۱۳۴۰ که مرحوم آیت الله بروجردی رحلت فرمود، بنده و دوستم آقای شیخ علی اکبر مهدی پور بخش هایی زیادی از شرح لمعه شهید ثانی را در تبریز خوانده بودیم، برای تکمیل تحصیل عازم حوزه علمیه قم شدیم. طبیعی بود که در مدرسه حجتیه یادگار آیت الله حجت کوه کمری سکنی گزینیم. در این مدرسه بود که با طلاب فاضل و

در سوگ دوست دیرین: عالمی روشن بین

می توانست موفق شود. سلاله قدسی و طهارت خاندانی او محفوظ بماند.

اما مرحوم حاج احمد آقا مقداری احساس آقا زادگی (خود برتری بینی) احیاناً همراه با تندخویی داشت که حتی با دوستان نزدیک خود بمانند من هم، با رفتاری که از او انتظار می رفت، نداشت.

اما هر چه بود، فرد و شخصیتی ریشه دار و از خاندان اصیل بود و به اصطلاح تبریزی ها، بعد از ظهر مرد نشده بود [ناهار دان سوراکیشی اولان] نبود. و می توانست بهتر از این اصالت بهره مند گردد و به تعبیر آیت الله سبحانی: «فردی اصیلی ازبیت رفیعی بود.»

آثار باقیمانده

به گفته فرزندش حجت الاسلام عبدالعلی غروی، مرحوم حاج احمد غروی، کتابی در تاریخ اسلام نوشته است که در دانشگاه تدریس می کرده و چاپ شده است و چند جزوه و رساله کوچکی درباره «تمدن اسلامی» دارد که به گفته پسرش در یکجا گردآوری شده و شاید چاپ شود. چند روز پیش از مرگ تلفنی با همدیگر صحبت کردیم، صدای بسیار ضعیفی داشت، از امام جمعه جدید تبریز می گفت و رفتار اخلاق مدارانه امام جمعه جدید که از علماء و مساجد دیدن می کند تعریف می کرد.

و سرانجام بعد از مدتی بیماری و معالجه در بیمارستان این دوست دیرین به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ بدرود حیات گفت. به گفته برخی از دوستان (حاج حسن آقا حسین خواه) تشییع جنازه مناسب و در خور شأن انجام گرفت و آیت الله حاج سید محمد تقی آل هاشم نماینده شرعی مقام رهبری، نماز میت را اقامه کردند و در وادی رحمت در قطعه (صدیقین) به خاک سپرده شد. رحمة الله علیه رحمة الله واسعه.

... روز یازدهم ذی القعدة، مطابق تولد حضرت امام رضا علیه السلام، برای مشارکت در مراسم ترحیم حاج احمد آقا غروی به تبریز رفتم. در مسجد حاج غفار در همسایگی منزل پدری، مجلس ترحیم برپا بود. مجلس تقریباً پر از جمعیت بود، از دانشگاهیان و دیگر طبقات مشارکت داشتند. تعدادی از روحانیان و عالمان دینی هم حضور داشتند. بالاخره جناب آقای آل هاشم و پدرش در مجلس شرکت کردند. با نوحه سرایی مداحان و منبر مجلس خاتمه یافت.

چندین نکته جالب توجه:

۱. در زیر پای عکس بزرگی که از حاج احمد آقا بالای منبر خودنمایی می کرد، اعلامیه ترحیمی دیده می شد که با عنوان «آیت الله دکتر احمد غروی» نظر بیننده را جلب می کرد و روشن شد که جناب غروی دکتر هم شده است؟!

مدرک «عالمیه» در الازهر

در تاریخ شیخ محمد عبده، می خواندم که وقتی او وارد دانشگاه الازهر شد و پس از طی مراحل تحصیل و تکمیل دروس و حفظ قرآن کریم، از طرف مقامات عالی دانشگاه، مدرک «عالمیه» را دریافت کرد و جزو مدرسان علوم در دانشگاه شد.

البته این گونه تحصیل مدرک بعد از گذراندن سال هایی از تحصیل با نظم خاص خود، امتیازی بر این پایگاه علمی دانشگاه الازهر است. اما اینگونه مدرک در جهان تشیع سابقه ندارد مگر بعد از پیروزی انقلاب که در حوزه علمیه، مدرک معادلی با شهادت عالمان حوزوی به طلاب می دهند.

یکی از اساتید دانشگاه به من می فرمود: مگر در «عالم بودن» که از پایگاه اجتماعی برتری در جامعه اسلامی برخوردار است، چه نیازی است که روحانیون، روی به مدرک «دکتری» آورده اند؟ گفتم درست است اما فراموش نکنید که کشور ما، کشور القاب است. و غالباً بی محتوا. امید داشتیم که فروکش کند و اما در همه سطوح اوج گرفت. به علاوه با ابزار جدید دنیای نو، پیش رفتن، خود گامی به جلو است. و امروز حوزه های علمی چنین می کنند.

ادامه در صفحه بعد

حوزه علمیه، چون او تنها فرزند ذکور پدرش بود، به امر و دستور پدر بزرگوارش به تبریز مراجعت کرد و همواره در خدمت پدرش بود و بارها به من می گفت که: من فدای پدرم هستم...

او در درس ریاض [خلاصه جواهر الکلام] که در فقه عالی است و پدرش تدریس می کرد، همراه با فضلالی تبریزی شرکت می کرد و در مسجد محله خودشان «سنگ تراشان» اقامه جماعت داشت.

بعد از انقلاب

من در اواخر سال ۵۶، با بورسیه ای از دارالتبلیغ عازم آمریکا و وارد دانشگاه کمبل شدم و به انقلابیون پیوستم. جبهه اسلامی در داخل و خارج با جبهه طاغوت، در حال مبارزه بود. در ۲۲ بهمن انقلاب پیروز شد و من با جناب احمد غروی، مکاتبه داشتیم. در سال ۵۹ بود که جناب غروی به من نوشت که اگر بتوانی در آنجا بمانی و تکمیل تحصیل کنی، بهتر از آن است که به ایران و تبریز بیایی که اوضاع بدجوری آشفته است و نظم و نسقی حاکم نیست. اما بنده چون جنگ شروع شده بود و دانشجویان ایرانی، وضعیتشان چندان روشن نبود، در اوایل سال ۶۰ به ایران بازگشتم.

... بالاخره در منزل حاج احمد غروی، در موقع نهار، بنده. استاد فرزانه و جناب غروی و مرحوم جواد حسین خواه با هم بودیم، مرحوم جواد به من پیشنهاد پست هایی را می داد که البته من ناآشنا با وضع موجود، نتوانستم خودم را با آن وضع تطبیق دهم و راهی حوزه قم شدم و بعد بالاخره در دانشگاه شیراز به مدت ۶ سال به تدریس پرداختم.

مرحوم احمد غروی، بعد از انقلاب مدتی نماینده رهبری در دانشگاه تبریز و مدیر گروه معارف اسلامی بود و چندین سال متوالی شاید ۹ سال دبیر کنگره بزرگداشت علامه طباطبایی و دیگر کنگره ها که نمی دانم به سبب چه عوامل و انگیزه هایی بود که حتی مقالات آن کنگره ها چاپ نشد؟!

او، علاوه بر دانشگاه، دبیر شورای حوزه علمیه تبریز نیز بود که در مدرسه عالی علوم اسلامی، از دوره امامت جمعه آیت الله ملکوتی منعقد شده بود، البته من هرگز نمی دانم که آن مدرسه در دوره مدیریت حاج آقا بنایی بانشاط و فعال بود و یا در دوره مدیریت شورایی؟! این نکته را باید کسانی که ناظر بر صحنه بوده اند، دآوری کنند.

به نظر بنده در ایران گرچه واژه شورا، با اقتباس از قرآن کریم، واژه ای بامحتوا است، اما واقعاً آیا در جامعه ما، کاربرد دارد و یا در جامعه ای که ارکان دموکراسی در آن جای نیافتاده باشد، کارایی دارد؟! دآوری در این مورد، چندان آسان نیست و به تمرین دموکراسی در جامعه نیاز دارد.

مرحوم حاج احمد غروی در آن مدرسه، کتاب هایی از قبیل کلام، باب حادی عشر، شرح لمعه، مکاسب، تدریس می کرد. و در دانشگاه نیز، بعد از مدتی از گروه معارف اسلامی کناره گرفت و در دانشکده علوم تربیتی به تدریس فلسفه پرداخت. بعد از انتقال آیت الله ملکوتی، مرحوم غروی چون اخلاقیش با رفتار امام جمعه بعدی چندان سازگار نبود و در نتیجه از آن شورا نیز کناره گرفت. و تقریباً به حالت انزوا تنها به اقامه نماز جماعت و تدریس در دانشگاه و اداره چندین جلسه مذهبی، با مردم و یک جلسه با دکترها، روزگار خود را می گذرانید. گاه و بیگاهی که به تبریز می رفتم و دیداری به عمل می آمد، ناخشنودی و عدم رضایت خود را با این جمله اداء می کرد: «ما از عهده امتحان نتوانستیم به خوبی بیرون آییم!!»

انتظار از کسی بمانند احمد غروی

اگر مرحوم حاج احمد غروی در وقایع بعد از انقلاب که در شهر اتفاق افتاد و غوغا سالاری و احساسات تند حاکم شد و به اصطلاح معروف در روند زمان در وقوع فتنه ها، کابن اللبون می شد و تحت تأثیر برخی از هم لباسان اپورتونیست قرار نمی گرفت و موضع خاندان چندین ساله خود را در ذهنیت جامعه اسلامی نگه می داشت، به خوبی

جوان همشهری ها در مدرسه حجتیه آشنا می شدیم. استاد سید هادی خسروشاهی و جوان فاضل احمد غروی بعد از چندین ماه یا سال، جناب خسروشاهی به خانه ای منتقل شد که در کوچه ممتاز از آقای هاشمی رفسنجانی، خریده بود. حجره خود را که در ساختمان شماره ۲ مدرسه حجتیه حجره ۴. بود که به دوست و همشهری خود جناب احمد غروی داده بود که آنجا ساکن گردد!

و این چنین بود که طلاب تبریز الاصل، با همدیگر آشنا شدند و دوست و احیاناً همدرس بودند. از شش نفری که در آخر هفته، روزهای تعطیلی با همدیگر جلسه دوستانه داشتیم، تنها ۳ نفر مانده اند. [آقای حاج سید محمد کوه کمری، علی فرزانه و اینجناب و آن سه دیگر، روی در خاک گذارده و به رحمت حق پیوسته اند: مرحوم آقای سید عبدالکریم حسینی، مرحوم حاج علی ربانی و مرحوم احمد غروی.]

مرحوم غروی با آن مناعت نفس و روح اجتماعی و گفتار شیرین فارسی که آن را بهتر از من و دیگر دوستان مکالمه می کرد، با عالم زاده های قمی که پدر او را می شناختند به زودی دوست شد. از جمله آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد و سید ابراهیم شبیری (برادر آیت الله شبیری زنجانی) و به ادامه تحصیل خود در حوزه های علمی که مملو از عالمان بزرگ بود، شرکت داشت.

یادم می آید در سالی به نظرم سال ۴۶، کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا و شرح خواجه نصیر طوسی که استاد آیت الله محمدی گیلانی تدریس می کرد، با احمد غروی و محقق داماد، همدرس شدیم.

همان سال ها بود که در دبیرستان دین و دانش که به مدیریت آیت الله دکتر سید محمد حسین بهشتی اداره می شد، کلاس هایی در رابطه با آموزش زبان «انگلیسی» منعقد بود احمد غروی هم همراه با سید مصطفی محقق و سید محمد خاتمی و استاد سید هادی خسروشاهی در سطح بالایی از استاد رخشان فریکی از دبیران با سابقه قم به کلاس زبان می رفت. آنها گاهی روزنامه انگلیسی زبانی را می خواندند و یا کتابی به نام «زنجیر هستی» The chain of Exist را؛ و من هم در یک کلاس یک درجه پایین تر بودم.

دقیقاً در خلال همان سال ها بود که استاد آیت الله مکارم شیرازی سالنامه ای به نام نسل جوان منتشر کرده بود که احمد غروی با نوشتن مقاله ای بسیار عالی و رمان به نام «مرا دریابید» شرح حال جوان معتادی را ترسیم می کرد که جامعه را برای نجات خود فرا می خواند. این مقاله از یک طلبه جوان آذری زبان تحسین بسیاری از دانشمندان را برانگیخته بود.

باز دقیقاً در همان سال ها بود که مدرسه عالی «دارالتبلیغ اسلامی» به وسیله مرجعیت زمان تاسیس شده بود. احمد غروی هم در بسیاری از درس های دارالتبلیغ اسلامی به طور مستمع آزاد شرکت می کرد. باید یادآور شوم که مرحوم آیت الله توتونچی شنیده بود که فرزندش احمد غروی، به یادگیری زبان روی آورده است، طبق همان روحیه قداستی که داشت اعتراض کرده بود که «تورا فرستاده ام در حوزه علوم اهل بیت در معارف اسلامی تحصیل کنی و نه زبان خارجی.» اما مرحوم آیت الله شریعتمداری که خود نیز با زبان فرانسه آشنا بود، تلفنی به آیت الله توتونچی فرموده بود که اجازه دهید فرزندتان زبان را یاد بگیرند زیرا آنان عالمان دوره معاصر و با نسل تحصیل کرده دیگری مواجه خواهند بود.

و باید اضافه کنم مرحوم آیت الله توتونچی مبلغی در حدود ۸۰ تومان به پسرش شهریه می فرستاد و به مرحوم آیت الله شریعتمداری گفته بود که این مبلغ وی را کفایت می کند، شما چیزی به او ندهید. آری احمد غروی نه بسان دیگر آقازاده، با همان زهد و قداست خانوادگی تحصیل می کرد و روزگاری گذرانید.

مراجعت به تبریز

بالاخره بعد از تحصیل و اقامت ۸ یا ۹ سال در

ارتباط بیشتری داشته باشد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛ سایر وزارتخانه‌ها فعالیت کاری خاص خود را دارند اما مسئولیت وزارت ارشاد با حوزه ارتباط خیلی تنگاتنگی دارد.

ایشان، از مفهوم فرهنگ به عنوان عقاید مردم یاد کردند و گفتند: کتاب به همه خانه‌ها و اماکن می‌رود، اگر کتابی سازنده باشد، برای جامعه ارزشمند است اما اگر کتابی دارای محتوای مسمومی باشد، برای جامعه مضر است.

آیت‌الله سبحانی بر لزوم نظارت بر منشورات، کتب و مطبوعات کشور تاکید کردند و ابراز داشتند: باید یک هیئتی با فراغ بال بر نشریات و مکتوبات نظارت کنند؛ گاهی در روزنامه‌ها مطالبی می‌نویسند که انسان تعجب می‌کند چطور این مطالب منتشر می‌شود.

این مرجع تقلید با قدردانی از فعالیت‌های سید عباس صالحی در دوره معاونت فرهنگی در برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، گفتند: نسبت به انتشارات کشور اهمیت بیشتری داشته باشید، خصوصاً آنها که اقلیت هستند، مسائلی منتشر نکنند که با اصول تشیع ما موافق نباشد؛ باید نظارت بیشتری در این زمینه داشت. حضرت آیت‌الله سبحانی در ادامه بر لزوم درمان کاهش کتابخوانی در کشور تاکید کردند و افزودند: متأسفانه کتابخوان کمتر شده است و بسیاری از کتاب فروشی‌ها تا حدی افسرده هستند؛ کتاب فروشی‌های جدید در حال تغییر شغل هستند و بسیاری از چاپخانه‌های قم یا فعالیت خود را تقلیل داده‌اند یا تعطیل شدند.

ایشان با بیان اینکه باید پدیده کاهش کتابخوانی در جامعه از سوی یک هیئت علمی بررسی شود، گفتند: ملت کتابخوان پیشرفت می‌کند اما اگر از کتاب اعراض کند، پیشرفت کمی خواهد داشت.

ایشان افزودند: در هر جایی که نشریه، کتاب، محتوا و مخاطبان زیاد است فرهنگ آنجا زیاد است اما اگر انتشار کم باشد و کتاب‌ها روی روی دست ناشر می‌ماند، فرهنگ تضعیف می‌شود.

این مرجع تقلید تصریح کردند: نشست‌ها با حضور اشخاص صاحب فکر و نظر و ناشرین کشور برگزار شود تا دلایل کاهش کتابخوانی بررسی شود.

این مرجع تقلید در پایان خاطرنشان کردند: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشران فعالی که به شکل هدفمند به انتشار کتب می‌پردازند، حمایت جدی کند.

تلقی می‌شود و هر تندرو، بد اخلاقی را به نام دفاع از ارزش‌های تیره‌های تهمت را به سوی آنها می‌پسند که هیچ دست کمی در انقلاب اسلامی و خدمت به کشور از مدعیان ندارند، رها می‌گردد؟! راستی اسف‌آور است، روزی در تبریز، ۱۱ (یازده)

مجتهد جامع الشرایط و صاحب رساله حضور داشتند، اما امروزه آن چنان فضای فرهنگی حوزه‌ای و عالمان برجسته دینی، به خاموشی گراییده است که اندوه آدمی از دیدن این وضع تأسف‌آور، صد چندان می‌شود!

من این مصیبت را به خاندان محترم غروی توتونچی، دوستان، آشنایان، همشهریان متدین و هوشیار تسلیت می‌گویم و غفران و رحمت الهی را به روح مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا غروی از خداوند مسئلت دارم.

و در نهایت به فرزندان برومندش حسین آقا غروی و حجت الاسلام عبدالعلی غروی، به ویژه به حجت الاسلام والمسلمین جنای حاج سید محمد کوه کمری، آرزوی توفیق و سلامتی دارم.

و السلام

قم. سید محمد ثقفی

۹۶/۶/۵

گزارشی از دیدارهای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با مراجع تقلید

به دست می‌آورند در آن شبکه باشد و مطالب زیانبار، مضر و منحرف‌کننده نباشد.

آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: باید ضمانت اجرایی خوبی هم باشد که مردم دنبال این بروند ولی فضای فعلی از نظر پهنای باند متفاوت باشد تا افراد به سمت شبکه ملی اطلاعات بیایند. ایشان خاطرنشان کرد: بیگانگان در فضای مجازی جنایت می‌کنند، هر چه در گوشی‌ها قرار دارد قابل انتقال است و حتی می‌توانند حرف‌ها را تحریف کنند و باید برای این کار بدیلی ایجاد شود تا نیاز مردم از فضای مجازی تامین و فاقد بدآموزی باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این دیدار گفت: ما باید به خون شهداء احترام بگذاریم و هر مسئولیتی با نگاه خدمت به دین باشد.

وی ادامه داد: از دوران ده سالگی وارد حوزه شدم و عملاً به صورت پیوسته در قم در حال رفت و آمد بودم و شاید این فرصتی باشد که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بتوانیم به اهل بیت (ع) و فرهنگ اسلامی خدمت کنم.

صالحی یادآور شد: وزارت ارشاد در حوزه‌های اوقاف، حج و زیارت، قرآن و عترت، کانون فرهنگی هنری مساجد و بنیاد امام رضا (ع)، معاونت فرهنگی، سینمایی، مرکز رسانه‌های دیجیتال و بازی‌های رایانه‌ای، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و صندوق هنر است.

وی بیان کرد: نیازمند همراهی‌های بیشتر از سوی مراجع هستیم، از طرفی به دنبال نقطه اتصال دین و فرهنگ به همراه حوزه و روحانیت هستیم یعنی در بخش نظارت و بخش عملیاتی نیازمند کمک هستیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان گفت: حوزه و روحانیت اید مطالبات خود در زمینه فرهنگی را با ما در میان بگذارند.

حضرت آیت‌الله سبحانی نیز در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر لزوم درمان پدیده کاهش کتابخوانی در کشور تاکید کردند و گفتند: متأسفانه کتابخوان کمتر شده است و بسیاری از کتاب فروشی‌ها تا حدی افسرده هستند؛ کتاب فروشی‌های جدید در حال تغییر شغل هستند و بسیاری از چاپخانه‌های قم یا فعالیت خود را تقلیل داده‌اند یا تعطیل شدند.

این مرجع تقلید، با بیان اینکه امیدواریم دوره جدید دولت از هر نظر بهتر از دوره قبل باشد، اظهار داشتند: وزارتخانه‌ای که می‌تواند با حوزه علمیه

آن‌هایی که به نوعی آزاده شده‌اند، دستور اسلامی صریح و رفتار پیامبر اسلام در فتح مکه نبود؟! در دنیایی که امروز جهان اسلام با دشمن بی رحمی به نام «داعش» ساخته آمریکا و اسرائیل و دولت منحوس سعودی، دست به گریبان است و ده‌ها، صدها، جوان برومند مسلمان در دفاع از حرم، به شهادت می‌رسند و توطئه استعمار و استکبار از نقض عهده برجام، همواره کشور ما را تهدید می‌کند و فریاد مقام معظم رهبری بر وحدت و انسجام، هر روز از سخنان امیدوارکننده ایشان به گوش می‌رسد، چگونه و چرا هنوز در شهر ما، گروه فشار، هنوز هم جامعه را در مرحله دو قطبی و... نگه می‌دارد؟! امید آن داریم که امام جمعه بزرگوار به دستور مقامات عالی دولت اسلامی، و راهنمایی‌های پدر پیر با تجربه‌اش این سیاست عاقلانه را تداوم بخشد و از کسانی که به نوعی آزاده‌اند و حق دارند، دلجویی کند. به تعبیر امام خمینی، انقلاب اسلامی، انفجار نور بود. یعنی انقلاب معنوی، تحول کیفی و اخلاقی و ارتقای فرهنگی و گسترش مودت و محبت. چرا و چگونه صلوات فرستادن بر پیامبر اسلام در شمردن نام عده‌ای از بزرگان اسلامی، که روزی نماد فرهنگ تشیع بودند، گناه نابخشودنی



دینی هستیم، تنوع موضوعی ارشاد بسیار زیاد است و ما به دنبال این این هستیم که در بخش‌های دینی با تعامل با حوزه نشاط بیشتری را داشته باشیم و در سایر بخش‌ها که شریان دین وجود دارد این امر را قوت ببخشیم.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: آقای صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کاملاً با این وزارتخانه آشنا هستند.

این مرجع تقلید افزود: حوزه‌های هشت گانه وزارت ارشاد بسیار حساس و گسترده است ولی در میان این‌ها برخی حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر از برخی دیگر هستند که آن‌ها را باید به صورت ویژه مورد توجه قرار داد.

ایشان گفت: مساله کتاب از حوزه‌های بسیار حساس است، امروز کتاب‌های زیادی نوشته می‌شود و نظارت بر کتاب کار را مشکل کرده است، کسانی باید باشند که همه کتاب‌ها را مطالعه و نظر دهند، کتاب می‌تواند داروی شفابخش و یا سم مهلک باشد.

آیت‌الله مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: برخی ممکن است به صورت کتاب، مطلبی بنویسند ولی در یک صفحه از کتاب سم خود را ریخته و باعث انحراف تعداد زیادی از مردم شوند. باید کنترل کتاب‌ها را جدی بگیریم و نباید عناوین کتاب‌ها و نویسندگان آن‌ها فریبنده باشد.

این مرجع تقلید با اشاره به حوزه فیلم و سینما گفت: مطالب زیادی است که می‌تواند به وسیله سینما جامعه را تحریف و یا هدایت کند، آن‌ها هم به صورت غیرمحسوس ممکن است لایه لایه فیلم جاسازی شده باشد، در این زمینه هم باید خیلی دقت شود.

آیت‌الله مکارم شیرازی افزود: فضای مجازی از این نظر که در دسترس همه افراد است از حساسیت بالایی برخوردار است. فضای مجازی نیروی خوبی است ولی استفاده از آن بسیار مهم است.

ایشان ادامه داد: باید شبکه ملی اطلاعات ایجاد شود و آنچه مردم از جهات مثبت از فضای مجازی

جمعه جدیدی که اخلاق و رفتار مقبول و مطلوبی از خود نشان می‌دهد، جایگزین او شد. و جناب حجت الاسلام سید محمد علی آل هاشم با استقبال گرم تبریزیان وارد تبریز شد و نماز عید فطر را به جای آورد. فیلم این استقبال از صفحه تلویزیون کشوری پخش گردید.

مرحوم حاج احمد آقا غروی هم در بستر بیماری از رفتار امام جمعه جدید تعریف می‌کرد و او را تحسین می‌نمود. به نظر می‌رسید که کشتیبان را سیاست جدید آمده است و در پیش گرفتن راهی نو و رفتاری مستحسن، نظر همه حتی گلابه‌مندان نیز مقداری تغییر یافته. اما سؤال اصلی این است که آیا این روش جدید، یک تاکتیک است و یا استراتژی؟! آیا فضای بسته در تبریز می‌خواهد به فضای باز تحول یابد، دوستی‌ها، بازگردد؟ چرا این روش که یک روش اخلاق‌مدارانه و اسلامی است، در دهه‌های پیشین اجرایی نمی‌شد؟ مگر همه ملت و همه اقشار در پیروزی انقلاب و رای دادن به انتخابات نظام مشارکت ندارند؟ چرا این همه جفا و نامهربانی و بد اخلاقی و برخورد ناصحیح اسلام و انقلاب!! تلقی می‌گردد.

آیا دیدار از جفادیدگان و احیاناً محرومان و

مراجع تقلید در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اهمیت نقش وزارت ارشاد در تبیین معارف اسلامی تاکید کردند و خواستار نقش آفرینی بیشتر این وزارت خانه در زمینه گسترش معارف دینی در سطح جامعه شدند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی در این دیدار با اشاره به اینکه وزارت ارشاد یکی از وزارتخانه‌های مهم است اظهار داشت: متأسفانه برخی از مردم به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بی‌اهمیت هستند در حالی که این وزارتخانه می‌تواند در امر تبیین معارف کمک کند. وزارت ارشاد در صورت انجام اقدامات درست و صحیح می‌تواند نقش موثری داشته باشد. زمانی که وزارت ارشاد خدمات خوبی را ارائه کند مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) نیز قرار می‌گیرد، این وزارتخانه می‌تواند تحول بزرگی در ارشاد جامعه ایجاد کند.

این مرجع تقلید با اشاره به اینکه وزارت ارشاد یک وزارت خانه بسیار مهم است خاطرنشان کرد: امروز راه‌های زیادی پیش روی آن برای حل مشکلات وجود دارد، به عنوان مثال در بخش کتاب و نشر می‌توان با نظارتی بهتر مقابل انتشار بسیاری از کتاب‌های نامربوط و بی‌محتوا را گرفت. وزارت ارشاد حوزه بسیار بزرگی را در بر می‌گیرد از این رو کنترل آن سخت است، به هرحال وزارت ارشاد یک وزارت خانه‌ای است که می‌تواند به دین و اسلام کمک شایانی کند، در این میان دولتی‌ها و تمام کسانی که توانایی لازم را دارند باید کمک لازم را بدهند.

سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در دیدار با آیت‌الله صافی گلپایگانی با اشاره به اینکه وزارت ارشاد یک حوزه پر مسئولیتی است اظهار داشت: ما در حوزه دین بخش‌های مختلفی را داریم، امروز سازمان حج و زیارت یکی از بخش‌هایی است که موضوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش‌های دینی را دارد و تا امروز نیز همه در امنیت و آرامش به سفر حج می‌پردازند. وی ادامه داد: ما در بخش حج و زیارت سازمان، عتبات عالیات را هم داریم، امروز موضوع زیارت اربعین به عنوان یک همایش حسینی در حال شکل گیری است که بسیار امری ارزنده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: یکی از بخش‌های دینی ما بنیاد امام رضا (ع) است که سعی می‌کند در ۷۰۰ شهر در داخل و خارج از کشور مراسم‌هایی را در دهه کرامت برگزار کند.

صالحی یادآور شد: ما به دنبال تعامل حوزه و روحانیت در تمامی بخش‌ها از جمله بخش‌های

ادامه از صفحه قبل

اما سوال این است که آیا در این مدرک گرایی نوین (حوزوی) آن مراحل تحقیقی و پژوهشی دوره دکتری سپری می‌شود و رساله‌ای از طلبه معهود که به اصطلاح رساله دکتری نامیده می‌شود و دانشجو باید در حضور چندین دانشمند متخصص، از آن دفاع کند و سپس به مدرک دکتری نایل می‌آید، آیا طی این مراحل هم در تحول دکتر شدن، طی می‌شود؟! و یا همین طور مدرکی معادل بدون نوشتن رساله‌ای در زمینه‌ای خاص از علوم اسلامی، طرف دکتر می‌شود؟!

آیا راستی تحول در جامعه روحانیت، این چنین است؟ آیا می‌توان آن را یک تحول «کیفی نامید» و یا نه اقتضای زمان و حاکمیت حکومت دینی، تجویز اعطای چنین مدارکی را جائز می‌داند و در اندک مدتی هر طلبه‌ای، علاوه بر حجت الاسلام بودن، دکتر هم تلقی می‌شود؟ داوری با صاحب نظران و عالمان دینی است؟!

۲. کشتیبانان را سیاستی دگرآمد بالاخره بعد از انتخاب ریاست جمهوری، امامت جمعه تبریز جناب مجتهد شبستری تغییر یافت و امام

اشاره : یادداشت‌هایی که می‌خوانید شامل سفرنامه استاد سید هادی خسروشاهی به کشور ترکیه است که مربوط به بیش از نیم قرن پیش می‌شود. این یادداشت‌ها شامل اطلاعات گسترده درباره چگونگی حرکت اسلامی ترکیه و فعالیت اسلام‌گرایان آن دیار، در نیم قرن پیش است. ***

فرستی پیش آمد که از بعضی کشورهای اروپایی دیدن کنم... در این مسافرت که از ترکیه آغاز شد، علاوه بر بلغارستان و یوگسلاوی که در مسیر قرار داشتند، از اطریش، آلمان، بلژیک، فرانسه و انگلستان و انجمن‌ها و مراکز اسلامی آنها، دیدن به عمل آمد... در این یادداشت‌ها، پس از بررسی وضع اسلام در ترکیه، از کوشش‌های اسلامی در اروپا (بلغارستان، یوگسلاوی و...) سخن به میان می‌آید که امیدوارم برای خوانندگان محترم جالب و مفید باشد.

در شماره ۹ سال نهم -مجله مکتب اسلام- تحت عنوان «جنبش تازه اسلامی در ترکیه» مقاله‌ای از مجله «کرسچن ساینس مونیتور» ترجمه و نقل گردید که در آن به گوشه‌ای از وضع کنونی ترکیه اشاره شده بود ولی تا انسان از نزدیک ترکیه امروز را نبیند، شاید نتواند حقیقت جنبش نوین اسلامی ترکیه را دریابد.

جنبش اسلامی جدید ترکیه محافل استعماری غرب و عناصر وابسته به آنها و به‌ویژه مسیون‌های مذهبی مسیحی را به وحشت و هراس واداشته است، تا آنجا که در مطبوعات خارجی و حتی بعضی مطبوعات ایرانی وابسته به منفورترین گروه‌های اجتماعی، گزارشات و مقالاتی علیه این جنبش اسلامی منتشر ساخته‌اند.

روزنامه‌ای که نگهبان «سحر» و افسون و ارگان ارتجاع واقعی محافل منحن اجتماعی ما است، در شماره ۵۴۳ مورخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۷، چاپ تهران، تحت عنوان «نهضت ارتجاعی در ترکیه» مطالبی را نشخوار کرده که محافل استعماری و ارتجاعی غرب در نشر آنها، در مطبوعات جهان، کوشا هستند.

این روزنامه می‌نویسد: «توسعه نهضت افراطی اسلامی در ترکیه روشنفکران و نظامیان این کشور را به شدت نگران کرده است... هدف‌های این نهضت را می‌توان بدین طریق خلاصه کرد: تغییر قانون اساسی ترکیه، از میان بردن سکولاریزم، هواخواهی از ایجاد یک جمهوری مسلمان، انطباق فرهنگ ترکیه با موازین اسلامی و پیش‌گامی در جنبش پان‌اسلامیزم در سراسر خاورمیانه... رهبران این جنبش می‌خواهند که روز جمعه (به جای یکشنبه) تعطیل عمومی اعلام شود. با اینکه عدم توافق خویش را با کمونیسم اعلام داشته‌اند، از کاپیتالیسم و سیاست غرب نیز انتقاد می‌کنند... در این چند ماه اخیر، چند حادثه به جنبش اسلامی ترکیه، جنبه‌های بیشتری داده است...

یکی از این حوادث را یکی از دانشجویان دختر دانشگاه آنکارا، که هائیس بابکان Hatice نام داشت به وجود آورد، او می‌کوشید با چادر در سر کلاس درس حاضر شود و مقامات دانشگاهی تصمیم به اخراج او گرفتند و در نتیجه در مدت کوتاه‌تر از یک شب، این دختر جنبه‌یک شهید به خود گرفت! ولی پس از تظاهرات دانشجویان رئیس دانشکده مجبور به استعفا گردید و هائیس بابکان از دیوان عالی تقاضای رسیدگی به حکم اخراج خود کرد...

زن دیگری به نام سول یوکسلر Sule yukseler توجه همگان را با ایراد سخنرانی‌هایی در زمینه «اسلام و زن» برانگیخته است. این بانو زنان ترک را به «حجاب» تشویق کرده و از آنها خواسته است که بدن خود را کاملاً بپوشانند و روسری بر سر بگذارند! و با ایمان کامل از قوانین و رسوم دین اسلام پیروی

کنند. او اکنون به خاطر نطقی که در بیدیرما Baudirma ایراد کرده در بازداشت بسر می‌برد، اگر او محکوم شود باید از دو تا ۷ سال در زندان به سر برد!...

نشانه دیگر از نیرومندی این جنبش، انتشار روزنامه‌ها و مجلات افراطی دست راستی است که مهم‌ترین آنها بوگان Bagan است و نظریات گروه متفکر این نهضت، «سول یوکسلر» و «مهمت سوکی آجی» را منعکس می‌کند... در استانبول اخیراً تظاهرکنندگان پرچم‌های سبز در دست داشتند و در کنفرانس رهبران مذهبی در بورسا تعلیم و تربیت جدید و رفرفرم‌های زبان ترکی و فرهنگی جدید ترک با شدت هر چه تاملاتر، به باد حمله گرفته شد.

تاکنون هیچ‌کس به عنوان شخصیت بارز نهضت اسلامی ترکیه مشخص نشده است، ولی نام «ابراهیم مالی» مدیر پیشین امور مذهبی و معاون کنونی حزب ملت به گوش می‌خورد.

دولت ترکیه و نخست‌وزیر، بارها تأکید کرده‌اند که این وظیفه دادگاه است که راجع به قانونی بودن یا غیرقانونی بودن این فعالیت‌ها تصمیم بگیرد و نظر مقامات دولتی بر این است که افراد ملت در بیان عقاید مذهبی خویش از هر قبیله که باشد، آزادی دارند ولی مخالفین، به خصوص حزب خلق، این جنبش را برای پایه‌های جامعه ترک که آتاتورک بنیانگذار آن بود، خطرناک می‌دانند و مسئله حجاب یا خراب کردن مجسمه‌های آتاتورک را، نشانه‌های یک تمایل ریشه‌دار برای برافکندن بنیان سازمان کنونی ترکیه به‌شمار می‌آورند.

در حال حاضر ۲۷ سازمان و چند گروه مارکسیست برای مبارزه با این جنبش، جبهه واحدی را تشکیل داده‌اند... افکار عمومی روشنفکران ترکیه به دوران کهنه قبل از جمهوری باز نمی‌گردد!

این بود خلاصه‌ای از آنچه که یک روزنامه سیاسی چاپ ایران به نام «سحر» درباره نهضت اسلامی ترکیه منتشر ساخته است ولی نویسنده آن، در ضمن مقاله خود، پاسخ خود را هم داده است:

این روزنامه که ماهیت ضد اسلامی آن بر همه مردم مسلمان ایران روشن است، پس از آنکه گرایش بیشتر به اسلام را یک نهضت ارتجاعی! و افراطی نام داده، خود اعتراف می‌کند که هواداران این جنبش، با کمونیسم و کاپیتالیسم، هر دو، مخالفند، آیا مفهوم نهضت ارتجاعی از نظر اداره‌کنندگان این روزنامه، همین است؟ آیا مخالفت با توسعه نفوذ کمونیسم و سلطه امپریالیسم غرب و هواخواهی از احیای سنت‌های زنده و مترقی اسلامی، در یک کشور اسلامی، «ارتجاع» و برگشت به «دوران کهنه قبل از جمهوریت» است؟

در ترکیه، آن‌طور که ما دیدیم، آزادی و دموکراسی تا حدودی مراعات می‌شود و تعیین تکلیف افراد متهم، وظیفه دیوان عالی و دادگاه است نه تابع نظریه این و آن... اگر در ترکیه دختران جوان و دانشگاهی روسری دارند و بانویی درباره «زن و اسلام» سخنرانی می‌کند، این برای آنست که در آنجا قانون وجود دارد و قانون به آنها اجازه داده است که مطابق عقیده خود رفتار و اقدام کنند.

دولت ترکیه، علیرغم فشار عوامل داخلی استعمار سرخ و سیاه! علیرغم سکولاریست‌های ترک و علیرغم کمونیست‌ها، نمی‌تواند از کوشش‌های اسلامی مردم مسلمان ترکیه جلوگیری به عمل آورد، زیرا قانون، آزادی افراد را در بیان عقاید، به رسمیت شناخته است و روی همین اصل است که در ترکیه، گروه‌های کمونیستی (و به قول ترک‌ها دست‌چی‌ها: سولجولار، Solcular) هم فعالیت دارند و روزنامه «آقشام» و «جمهوریت» هم ناشر افکار آنها است.

البته در این میان اتحاد گروه‌های ارتجاعی وابسته به غرب یا چپ‌نماهای به اصطلاح مارکسیست! برای مبارزه با کوشش‌های اسلامی در

ترکیه، بسیار جلب توجه می‌کند و نشان می‌دهد که نهضت جدید اسلامی ترکیه، نه تنها ارتجاعی و عقب‌گرد نیست، بلکه جنبش مترقی و پیشرو، اصیل و ریشه‌دار، برای برانداختن سنت‌های ضد اسلامی و برای انطباق فرهنگ ترکیه با موازین اسلامی و ایجاد وحدت بیشتر بین مسلمانان می‌باشد.

البته در ترکیه نیز بعضی از جرائد مزدور و حتی روزنامه‌های وابسته به جناح‌های چپ‌نما،

مانند «جمهوریت» طی مقالاتی، علیه جنبش جدید اسلامی ترکیه، تحریکاتی می‌کنند. مثلاً در یکی از شماره‌های اخیر «جمهوریت» درباره علت مخالفت مردم ترکیه با «صهیونیسم» چنین می‌نویسد: «اکثر مردم نمی‌دانند که صهیونیسم چیست؟ ولی علماء و وعاظ و بعضی روزنامه‌های ارتجاعی، با تفسیرهای خود مردم را گمراه! می‌سازند و درواقع منابر در مساجد ترکیه، مرکز پخش این‌گونه مطالب مسموم‌کننده افکار عمومی است!»

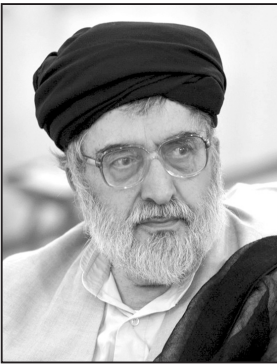
نشریه انگلیسی Jewish Chronicle ارگان یهودی‌های انگلستان، مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۷م خود می‌نویسد: روزنامه «استانبول اکسپرس» در یک نامه سرگشاده به دولت ترکیه و هیئت وزراء اخطار کرده که از سیاست نشریات اسلامی ترکیه بر ضد اسرائیل، جلوگیری به عمل آورند... و روزنامه «جمهوریت» در همین زمینه می‌نویسد که «تبلیغ برای وحدت و برادری اسلامی، تنها از ناحیه مرتجعین! ترکیه نیست، بلکه از طرف کشورهای عربی اسلامی مانند سعودی و سوریه و عراق تقویت می‌شود!»

این همکاری مطبوعاتی بین نیروهای چپ‌نمای ترکیه و جرائد یهودی غرب، نشان‌دهنده یک واقعیت بزرگی است و آن اینکه: نهضت جدید اسلامی در ترکیه، منافع نامشروع امپریالیسم شرق و غرب و صهیونیسم متجاوز را مورد خطر جدی قرار داده است.

علاوه بر این، انتشار مقالات مشابه در جرائد جهان، بر ضد مسلمانان مجاهد ترکیه، و اتحاد عوامل داخلی صهیونیسم و امپریالیسم و کمونیسم در ترکیه و تشکیل جبهه واحد از ۲۷ سازمان چپ و راست علیه مسلمانان، نشان‌دهنده توطئه‌ایست که علیه جنبش اسلامی جدید در ترکیه و مردم غیور این سامان، طرح شده است. ولی علیرغم همه این توطئه‌ها، اتهامات، کوشش‌های خرابکارانه، خلق مسلمان ترکیه به اسلام و قرآن وفادار بوده و در راه دفاع از اصول اسلامی، بی‌دریغانه جانبازی و فداکاری می‌کند.

افکار عمومی ملت ترک، و در میان آنها روشنفکران واقعی، طبقه تحصیل‌کرده و دانشجو، هوادار سرسخت برگشت کامل ترکیه، به اردوگاه اسلام است. آنان می‌خواهند در زیر سایه پرچم سبز اسلام که در تظاهرات خیابانی خود در دست می‌گیرند به نفوذ بیگانه اعم از سرخ و سیاه، خاتمه دهند و ملت رشید ترکیه را بار دیگر با جامعه ملل مسلمان متحد سازند

کسانی که این نهضت اسلامی را «جنبش ارتجاعی» می‌نامند، خود از ایادی ارتجاع بین‌المللی و از دشمنان آزادی و استقلال ملل مسلمان هستند آنان بدون آنکه مفهوم کلمه «ارتجاع» را بدانند و یا موارد استعمال صحیح آن را درک کنند، گروه‌های مترقی و پیشرو مسلمان را که در راه آزادی و استقلال همه‌جانبه به نبرد آشی‌ناپذیری برخاسته‌اند «مرتجع» می‌نامند، ولی آنان اگر درباره پیدایش و رواج به کار بردن کلمه «ارتجاع» پس از انقلاب کبیر فرانسه، مطالعه‌ای بنمایند، خواهند دید که خود آنان نگهبان «سحر» و افسون، هوادار «ارتجاع» و



مرتجع، خواستار ابقای رسوم کهنه و قدیمی هستند، نه مردم مسلمان ترکیه و سرزمین‌های اسلامی دیگر...

پس از اعلان الغاء خلافت عثمانی به سال ۱۹۲۴ میلادی و پس از اعلان تشکیل «جمهوری ترکیه» و تصویب قانون اساسی جدید که طبق آن، برای دولت ترکیه، دین رسمی اعلام نگردید، و پس از آنکه ایادی شناخته شده‌ای، در کشور برادر ترکیه به یک سلسله اقدامات ضد اسلامی دست زدند، اکثریت مردم جهان اسلام، چنین گمان می‌کردند که ترکیه از جهان اسلام جدا شده و به سوی «بی‌دینی مطلق» و یا «مسیحی‌گری» پیش می‌رود.

و روی همین گمان بی‌اساس، هنوز هم هستند کسانی که خیال می‌کنند در ترکیه امروز، از اسلام خبری نیست! و یا مبارزه با اسلام، مانند ابتدای دوران پیدایش جمهوری آتاتورک جزء برنامه دولت ترکیه است، در صورتی که واقعیت‌های موجود در این کشور، درست در نقطه مقابل این گمان‌ها قرار دارد.

ما در اینجا مخصوصاً نخست به پاره‌ای از «کوشش‌های رسمی»

اسلامی اشاره می‌کنیم که تا به خوبی روشن گردد که ترکیه همچنان به اسلام وفادار است و مردم ترکیه علیرغم فشار از هر طرف، خواستار احیای کامل ارزش‌ها و سنت‌های متروک شده اسلامی هستند و در این راه، فعالانه می‌کوشند. در این مقاله، برای اولین بار آمار و ارقامی را می‌خوانید که شاید با توجه به شایعات و سوایق ذهنی برای خوانندگان ما تعجب آور باشد، ولی باید به این نکته توجه داشت که این آمار از مدارک و منابع معتبر به دست آمده و ما از نزدیک شاهد عینی گوشه‌هایی از این کوشش‌ها، در درون ترکیه مسلمان بودیم.

در ترکیه کثرت و تعداد جمعیت‌ها و سازمان‌هایی که تحت عنوان «امور خیریه دینی و اسلامی» خدمت می‌کنند، قابل توجه و دقت است. زیرا به موجب آمار رسمی دولتی، از مجموع متجاوز از بیست و شش هزار سازمان، کلوب، جمعیت، حزب (و شعبات آنها) تعداد ۶۱۷۶ سازمان و جمعیت در چهارچوب تعلیم دینی و خیریه اسلامی، خدمت می‌کنند.

و به طور کلی، در سراسر ۶۷ ولایت ترکیه ۸۷۵۰ جمعیت و سازمان مذهبی قانونی وجود دارد که ۶۲۷۶ جمعیت و سازمان از این تعداد، به انجام امور خیریه دینی و اسلامی مشغول بوده و بقیه، جمعیت‌های تعاونی علما و روحانیون، پیشنمازان، وعاظ، خطباء، لیسانس‌های دانشکده‌های علوم دینی و دیپلمه‌های آموزشگاه‌های پیشنمازی، وعظ و خطابه می‌باشند. این دیپلمه‌ها خود ۵۶۰ سازمان و جمعیت تعاونی تشکیل داده‌اند.

کشور اسلامی ترکیه در مورد مسجد سازی نیز در این اواخر از ۱۵ سال پیش در میان کشورهای اسلامی مقام اول را حائز شده است، زیرا به موجب آمار رسمی، از ۱۵ سال به این طرف، بیست و دو هزار باب مسجد در سراسر کشور ترکیه (شهرها، قصبات، دهکده‌ها) ساخته شده و یا تعمیر گشته است.

جالب‌تر از این، آنکه مهم‌ترین سازمان، آموزش و پرورش ترکیه، در بین ۱۴۳۸ سازمان: «جمعیت آموزش اسلامی ترک» است که از یک قرن پیش تاسیس یافته است.

این موسسه چند آموزشگاه با برنامه‌ای معادل تحصیلات دبیرستانی به اسم «دارالفقه» دارد و دارای موقوفات مخصوص و پردرآمدی است، به طوری که کلیه هزینه زندگی محصلین آموزشگاه‌های خود را، به عهده دارد. آموزشگاه‌های این سازمان پرورشی اسلامی، دختران و پسران یتیم و بی سرپرست مسلمانان را می‌پذیرد.

همکاری رجب اردوغان با حرکت «هزمت»

ترجمه: محمدعلی عسگری

«محمد فتح‌الله گولن» واعظ، سخنران، نویسنده و متفکر مشهور ترک‌تباری است که از دو دهه پیش تاکنون به صورت یک تبعید خودخواسته در آمریکا زندگی می‌کند. او از قریب نیم‌قرن پیش در ترکیه جنبشی به راه انداخت که مبتنی بر «خدمت» (هزمت) رایگان به مردم در حوزه‌های آموزشی و بهداشتی بود. گفته می‌شود هم‌اکنون قریب به چهار میلیون نفر در سراسر جهان در چارچوب این جنبش مشغول خدمت‌رسانی هستند. زبان رسمی مدارس و مؤسسات آموزشی وابسته به گولن، انگلیسی بود و به همین دلیل توانستند جایگاه مهمی در سراسر جهان برای خود کسب کنند. گولن شخصا انسان میانه‌رو، معتقد، معتدل و درعین حال متعصبی است که از مکتب حنفی پیروی می‌کند و به شدت شیعیان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. می‌گویند خانم‌های اطراف او همه باحجاب هستند و خودش پیوسته بر حفظ شعائر دینی تأکید می‌ورزد. گولن سال‌ها پیش مرشد و مقتدای «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری کنونی ترکیه بود. اما از چهار سال پیش بین آنها شکراب شد و این اختلافات روزبه‌روز بالا گرفت. کودتای تابستان سال پیش نقطه عطفی در این میان بود. اردوغان، گولن را متهم به عاملیت کودتا کرد و دولت‌اش اقدام به پاک‌سازی هرچه و هرکه طرفدار گولن و جنبش خدمت بود، در ترکیه و سایر نقاط جهان کرد. تا به حال سخنان اردوغان درباره گولن زیاد شنیده شده است. در این مصاحبه، این گولن است که درباره اردوغان و دولت‌اش سخن می‌گوید.

شما را متهم می‌کنند که پشت کودتای شکست‌خورده سال گذشته علیه اردوغان هستید.

به نظر شما چه کسی این کودتا را به راه انداخت؟
من از همان شب کودتا آن را محکوم و تأکید کردم که هیچ ارتباطی با این ماجرا ندارم. اما اردوغان بلافاصله حتی قبل از هرگونه تحقیقی، مرا متهم کرد که پشت این کودتا هستم. اما این اتهامات توخالی چه به لحاظ اسلامی و چه به لحاظ اصول قوانین بین‌المللی درست نیست. طبق گزارش ناظران و تحلیلگران، من در جایگاهی نیستم که این فرد یا آن فرد، این گروه یا آن گروه، اجازه داشته باشد مرا به تدارک کودتا متهم کند. به گفته آنها گروهی از ناسیونالیست‌های تندرو سکولار حرکتی را شروع کردند و به آن رنگ‌وروی کودتایی دادند اما در واقع کودتا هم نبود؛ این کودتا برای این طراحی شده بود که نیروهای وفادار به من در ارتش را تصفیه کنند و از اهمیت این نهاد نظامی در چشم مردم بکاهند. اردوغان به این وسیله می‌خواست قدرت خودش را بر ارتش تثبیت و شبه‌نظامیان خودش را به این وسیله وارد نهادهای نظامی کند. به نظر من این توصیف و تفسیر منطقی‌تر می‌نماید تا سایر دعای مطرح‌شده درباره این کودتا. اما من به خدا پناه می‌برم که بخواهم کسی را بدون دلیل متهم کنم. از این‌رو به اردوغان پیشنهاد دادم اجازه دهد تحقیقی بین‌المللی درباره حوادث آن شب صورت گیرد. حتی من اعلام کردم آماده‌ام اگر در این تحقیق محکوم شدم، با پول شخصی خودم بلیت هواپیما بگیرم و به ترکیه بروم. اما با درخواست من از طرف او موافقت نشد.

رهبری اردوغان را چگونه می‌بینید؟

حقوق دانان یک بار وضعیت قانونی اردوغان را به دلیل خبرهایی که درباره تقلبی بودن مدارک دانشگاهی او وجود داشت و می‌خواست رئیس جمهور شود، بررسی کردند. بعضی‌ها گفتند انتخابات عادلانه برگزار نشده و در نتایج هم تقلب شده است. از همه اینها که بگذریم، من به ارزیابی ملت ترکیه و انتخابش هرچه باشد احترام می‌گذارم؛ حتی اگر چوپانی را در کوه‌ها بیاورد و رهبر خودش کند. اما احساس نمی‌کنم اردوغان ویژگی‌های لازم را برای

عهده‌دار شدن مقام ریاست‌جمهوری داشته باشد. وقتی از فساد در کشور صحبت می‌شود - اگر اردوغان در دسامبر سال ۲۰۱۳ اجازه می‌داد که تحقیقات مربوطه ادامه پیدا کند - می‌توانستیم به حقایق دست یابیم. اما متأسفانه او پرونده‌ها را بست و نهادهای قضائی را تحت سلطه خودش درآورد و آنها را زیرمجموعه دولت قرار داد. به این طریق دیگر غیرممکن است که بشود از طریق قوه قضائیه به حقیقت دست پیدا کرد. اما درخصوص استبداد تقریباً افکار عمومی جهان بر این اتفاق نظر دارد که او فردی مستبد است. حتی بعد از انتخابات ۲۰۱۱ او شیوه استبدادی‌تری را در پیش گرفت. او الان در راهی افتاده که سرنوشتی بدتر از رهبران مستبدی خواهد داشت که تاریخ به خود دیده است.

ملت ترکیه در برابر موج سرکوب‌های اردوغان چه می‌تواند بکند؟ آیا می‌شود اردوغان را در سطح بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد؟

متأسفانه به نظر می‌رسد هیچ‌کس قادر نیست به او بگوید «بس است». کسانی که سعی کردند این حرف را بزنند الان در زندان هستند. مخالفان وضعیت سوگمندان‌ای دارند. چون قادر نیستند از راه‌های دموکراتیک اردوغان را مهار کنند یا نگذارند از اختیارات ریاست‌جمهوری سوءاستفاده کند. شهروندان بیگانه که در معرض انواع و اقسام ستم‌ها قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند از حقوقشان طبق قانون اساسی دفاع کنند. برخی از نمایندگان اپوزیسیون در برابر این حوادث به ورطه پراگماتیسم افتاده‌اند. آنها دچار کوتاه‌نظری شده‌اند.

بنابراین اجازه می‌دهند این ستم‌ها استمرار پیدا کند زیرا به اعتقادشان این ستم متوجه آنها نیست، بلکه متوجه گروه‌هایی است که آنها را دوست ندارند. آنها حساب نمی‌کنند که این جریان دور می‌زند و روزی این ستم دامن آنها را هم خواهد گرفت.

بالین حال ملت ترکیه قادر است نفرت و انزجار خود را از ستمگری‌های اردوغان به شیوه‌هایی دموکراتیک و مسالمت‌آمیز بیان کند. هرچند به نظر می‌رسد در این راه باید قربانیان بیشتری بدهد تا این احساس به یک فریاد بزرگ و با پژواک تبدیل شود. یکی از تکالیف ما در برابر خداوند دعا کردن است. این بستگی به عوامل و شرایط خاص ندارد. ما به صورت مستمر دعا می‌کنیم که کمالات دیگران را هم به دعا تشویق می‌کنیم. درعین حال توسل به اسباب و عوامل هم یک تکلیف دیگر است. ما باید به قوانین و سنت‌هایی که خداوند سبحان در هستی گذاشته، احترام بگذاریم.

بعضی از کشورهای عربی روابط دیپلماتیکشان را با قطر قطع کرده‌اند. شما ارتباط قطر با ترکیه را چگونه می‌بینید؟ نظر شما درباره ایجاد پایگاه نظامی ترکیه در قطر چیست؟

بخشید. من نمی‌خواهم درباره مسائلی حرف بزنم که به دولت‌های دیگر آسیب می‌رساند. **با وجود افشاشدن سیاست حمایتی اردوغان از داعش و سایر تشکل‌های تروریستی و تحریکاتش علیه مصر با پناه‌دادن به اخوان المسلمین، چه دلیلی دارد که افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی در برابر این سیاست‌ها سکوت می‌کنند؟**

باور نمی‌کنم که اردوغان صادقانه با تشکیلات تروریستی داعش می‌جنگد. از یک جهت تظاهر می‌کند که به ائتلاف بین‌المللی کمک می‌کند تا بر داعش غلبه پیدا کند، اما از جهت دیگر سلاح و تجهیزات نظامی در اختیار گروه‌های تروریستی تندرو در شمال سوریه می‌گذارد. ستیزه‌جویان داعش در بیمارستان‌های ترکیه درمان می‌شوند و بدون اینکه تحقیقی درباره آنها بشود، آزادشان می‌کنند. رسانه‌های داخلی و افکار عمومی ترکیه مطلع هستند که تعدادی از افسران پلیس متخصص در امور مبارزه با تروریسم بازداشت شدند. اما به باور

من ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تمایلی ندارند تدابیری جدی و لازم در این باره اتخاذ کنند؛ البته به دلایل مختلفی، از جمله جایگاه استراتژیک ترکیه و اینکه میزبان آوارگان سوری است که اینک به معتمد آنها سعی می‌کنند از طریق استفاده از گروه اخوان المسلمین در امور مصر دخالت کنند و از این کشور باج بگیرند.

اردوغان و نظام او چه بلاهایی بر سر جنبش «خدمت» آورده است؟

تمام مؤسساتی را که از دور یا نزدیک ارتباطی با این جنبش در داخل ترکیه داشته‌اند، بستند. حتی مالکیت آنها را به دیگران واگذار و بیش از ۱۲۰ هزار کارمند را برکنار کردند. بیش از ۵۰ هزار شهروند را به زندان انداختند که ده‌ها هزار نفرشان زن یا مادر کودکان شیرخوار بودند. اینها مردمانی متدین و متعهد به حفظ نماز و عبادت‌هایشان بودند. هیچ جرمی در ترکیه بالاتر از این نیست که وابسته به جنبش خدمت معرفی شوی، حتی تأمین بورسیه برای دانش‌آموزان فقیر را جرمی تلقی کردند که به موجب قانون باید مجازات شود. اینها علاوه بر آن شکنجه و قساوت‌هایی است که در داخل زندان انجام شد و همگان از آن مطلع‌اند. ترکیه شاهد وحشیانه‌ترین ستم‌هاست که به دست این دولت انجام می‌شود. اردوغان در ۱۲ سال اول حکومتش از جنبش خدمت تعریف می‌کرد و حالا پیوسته وجهه این حرکت را مخدوش می‌کند.

آیا انتظار دارید یک بار دیگر کودتایی برای سرنگونی اردوغان تکرار شود؟

صرف‌نظر از اینکه حوادث سال گذشته یک کودتای واقعی بود یا یک نمایش حساب‌شده، من انتظار وقوع یک حرکت نظامی جدید علیه اردوغان را ندارم. با وجود همه ظلم‌ها و ستم‌هایی که علیه ما می‌کند من هرگز با چنین حرکتی موافق نیستم. در گذشته نیز هرگز مدافع کودتای نظامی نبوده‌ام و هرگز نخواهم بود. از این‌رو با سرنگونی اردوغان و دولت‌اش به روش‌های غیردموکراتیک اعتقادی ندارم. از آن گذشته سرنگونی این نظام به شیوه‌های غیردموکراتیک موجب می‌شود این دولت مظلوم واقع شود و کسی از آن حساب‌کشی نکند یا در برابر قانون و عدالت مجبور نباشد به ستم‌هایی که تاکنون کرده پاسخ‌گو باشد.

در گذشته اردوغان شما را به نفاق متهم کرد. این اتهامات تا جایی رسید که او شما را متهم به آن کرد که پشت یک گروه تروریستی قرار دارید. جواب شما به این اتهامات چیست؟

اردوغان، عبدالله گل، وزرای حزب عدالت و توسعه و نمایندگان این گروه بارها عملکرد جنبش خدمت و برنامه‌هایش را تا سال ۲۰۱۳ ستایش می‌کردند. اما هنگامی که معلوم شد تعدادی از اعضای دولت اردوغان در مسائل فساد و رشوه دست داشتند (حادثه دسامبر سال ۲۰۱۳)، یک‌دفعه لحن و زبان‌شان تغییر کرد. آن وقت به جای اینکه به قوه قضائیه کمک کنند تا به وظایف خودش عمل کند، همه مسائل را سر هم کردند و دستگاه قضا را زیر بال سیاست کشاندند. تا سال ۲۰۱۳ که اردوغان نخست‌وزیر بود، دیدار با مرا یک نعمت الهی می‌دانست. ولی یک‌دفعه چه اتفاقی افتاد؟ داوطلبان جنبش خدمت که تغییر نکرده بودند. کارها و فعالیت‌های آنها هم که تغییری نکرده بود. آنها به همان راهی می‌رفتند که از ۵۰ سال پیش شروع شده بود؛ مدرسه می‌ساختند، به دانش‌آموزان فقیر بورسیه می‌دادند، به افراد جامعه خدمات پزشکی ارائه می‌کردند و پرچم کمک‌های انسان‌دوستانه دستشان بود. اما چیزی که تغییر کرده بود، خود اردوغان بود. برای همین باید از او پرسید و او را بازخواست کرد. باید پرسید چه شد که در یک شبانه‌روز جنبش خدمت این چنین در معرض هرگونه عمل سوء و اتهام ناروا قرار گرفت.

مگر ۲۰ سال شما با این جنبش نبودید و آن را ستایش نمی‌کردید؟

بالین همه، من و دوستانم اردوغان را دشمن نمی‌دانیم و از خداوند می‌خواهیم که اشتباهاتش را ببخشد و او را به راه راست و به مسیری دموکراتیک هدایت کند؛ همان مسیری که در سال‌های اول دولت‌اش می‌رفت. می‌خواهیم او از ده‌ها هزار شهروندی که به واسطه‌اش در معرض ستم و ظلم قرار گرفتند، عذرخواهی کند.

توجه کنید دولت اردوغان در گذشته ما را به این متهم می‌کرد که مخالف روند «صلح با کردها» هستیم اما بعد از یک مدت دیدیم ما را متهم می‌کند به همکاری با حزب تروریست «کارگران کردستان». این‌طور است که احساس می‌کنیم آنها در یک دام وحشتناک و مملو از تناقضات غیرمنطقی گرفتار شده‌اند.

گروهی از ترک‌ها تظاهراتی را در برابر کاخ سفید ترتیب داده و خواستار تحویل شما به ترکیه شدند. این تظاهرات را چه کسی تدارک دیده بود؟ دولت آمریکا تا چه حد برای شما در خاکش امنیت برقرار کرده است؟

اغلب شهروندان ترکیه مقیم آمریکا مخالف دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه هستند. انتخابات اخیر به نفع احزاب مخالف ترکیه بود و این مسئله را به اردوغان هم نشان داد. بالین حال اشخاص یا سازمان‌هایی در داخل آمریکا هستند که روابط نزدیکی با حزب عدالت و توسعه دارند. این احتمال قوی وجود دارد که آنها از طرف دولت ترکیه حمایت می‌شوند.

من تقریباً ۲۰ سال است که در آمریکا زندگی می‌کنم. دولت آمریکا بدون تبعیض برای همه شهروندانش یا برای کسانی که به اینجا می‌آیند امنیت فراهم می‌کند. معتقدم نیروهای امنیتی ترکیه در نقاط مختلف دنیا سعی می‌کنند کسانی را که مرتبط با جنبش خدمت باشند، برابند. مطمئنم مقامات اینجا نسبت به تهدیدهایی که متوجه ماست هوشیاری کامل دارند. آنها امکانات الکترونیکی لازم را دارند تا هرگونه تهدیدی را خنثی کنند. نیروهای امنیتی با تظاهرات‌کنندگان نیز با حساسیت برخورد کردند. کسانی آنها را از پیش به نزدیکی جایی که ما هستیم، آورده بودند.

خیلی وقت است که شما در پنسیلوانیا زندگی می‌کنید. آیا هنوز هم نمی‌خواهید به ترکیه برگردید؟
خیلی مایلیم به وطن برگردم. آرزوی من این است به جایی بروم که دوست دارم. اما نمی‌خواهم دیدار من موجب دردسر برای دیگران شود؛ مادام که این دولت بر سر کار باشد، هرگز نمی‌خواهم نمی‌توانم که بروم.

آیا پیامی برای ملت‌های ترکیه و کشورهای عرب دارید؟

مشترکات انسانی و دینی بین دو ملت ترکیه و اعراب اقتضا می‌کند تا روابطشان را با هم مستحکم‌تر کنند. باید از این مشترکات برای تأمین منافع ملت‌ها استفاده کرد اما متأسفانه ما در دوران سیاهی زندگی می‌کنیم. جغرافیایی که از آن کنده شدیم، شاهد اختلافات، ستمگری‌ها و فتنه‌هایی است که تاکنون در تاریخ سابقه نداشته است. از یک طرف گروه‌های تروریستی در نمایش وحشی‌گری‌های خود سلیقه به خرج می‌دهند. آنها تا به حال بسیار به چهره درخشان اسلام در سراسر جهان لطمه زده‌اند. بعضی هم با تنگ‌نظری به خاطر منافع شخصی و محدود خودشان روی این گروه‌ها سرمایه‌گذاری و به صورت پنهانی از آنها پشتیبانی می‌کنند. برای همین از همه مسلمانان می‌خواهم به سوی خداوند عزوجل روی بیاورند و برای نجات جهان اسلام از این فتنه‌ها و شرارت‌ها دوری کنند.

منبع: روزنامه شرق

دکتر مهدی گلشنی در سومین دوره آموزشی طرح ملی نخبگان علوم انسانی که در دهکده تحقیقاتی وسف برگزار شد، به روایت تحول علم ماقبل مدرنیته و پس از آن پرداخت. گزارش این نشست و سخنرانی استاد گلشنی به نقل از روابط عمومی مرکز تبلیغات حوزه علمیه قم در ادامه می آید.

در این نشست دکتر گلشنی ابتدا به ارائه تاریخچه علم دینی در میان مسلمین پرداخت. او بر اساس حدیث مشهور «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» یا حدیثی دیگری از امیرالمؤمنین که «العلم ضالّه المؤمن فخذوه ولو من ایدی المشرکین: علم گذشته مؤمن است آن را فرا بگیرید حتی از مشرکان باشد» اشاره کرد، اما این معنا از علم را ناظر به معنای خیلی عام آن دانست. قرآن به مطالعه طبیعت توصیه کرده است:«قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِی السَّمَآوَاتِ وَالْأَرْضِ»، اما این معنا نیز بسیار عام است. «قُلْ سِیْرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ». مسلمین قرون اولیه از این دست احادیث این برداشت را داشتند که مطالعه طبیعت، یک عبادت محسوب می‌شده است ، بنابراین بین بررسی طبیعت و دین و اعتقاداتشان تضاد و تراجمی نمی‌دیدند. از امیرالمؤمنین نیز روایت است که «تفکر فی صنعت الله عزوجل» عبادت است .

دکتر گلشنی با اشاره به ابوریحان بیرونی، نمونه‌ای از تلقی مسلمین درباره علم را بیان می‌کند. ابوریحان می‌گوید: «وقتی شخص تصمیم می‌گیرد بین حق و باطل فرق بگذارد، باید جهان را مطالعه کند و دریابد که آیا ابدی است یا مخلوق و اگر کسی فکر کند که به این دانش نیاز ندارد، اما او نیازمند به تفکر درباره قوانینی است که بر جهان ما حاکم است. این کار او را بر آن می‌دارد که حقیقت را درباره آنها بداند و طراح جهان و صفات او را بشناسد». ابوریحان در ذیل این تعابیر به آیه «یتفکرون فی خلق السماوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا» اشاره می‌کند. البطانی نیز دیگر دانشمند بزرگ اسلامی است که شناخت نجوم را

اگر سرخاب را مقبرهالشعره و چرنداب را مقبره‌الوزرا خوانده‌اند، نام گورستان گجیل به عنوان مدفن عرفای تبریز گره خورده است. به استناد تاریخ، این قبرستان تا زمان شهرداری محمدعلی‌خان تربیت پابرجا بوده است.

کریم میمنت‌نژاد در این باره می‌گوید: در سال ۱۳۰۹ و در زمانی که تربیت در مسند شهردار تبریز بود، نخستین پارک تبریز با نام «باغ گلستان» در محل گورستان گجیل ساخته شد. البته وسعت این گورستان بسیار فراتر از یک پارک بوده و تمامی ساختمان‌های فعلی اطراف آن اعم از هنرستان وحدت، بیمارستان شفا، محلات اطراف و... روی ویرانه‌های گورستان گجیل بنا شده‌اند. وسعت این گورستان به اندازه‌ای بود که در حال حاضر هم وقتی خانه‌های محلات اطراف آن خانه‌های خود را بازسازی می‌کنند زیر زمین به سنگ قبرهای به جا مانده از گجیل بر می‌خورند.

وی ادامه می‌دهد: این قبرستان به اندازه ۱۲۰۰ سال قدمت دارد و سابقه‌ای دیرینه دارد. محمدعلی خان تربیت می‌توانست در زمان تغییر کاربری این گورستان، طراحی آن را به گونه‌ای انجام دهد که بخشی از قبرهای قدیمی متعلق به اشخاص مهم باقی بماند. در هیچ کجای دنیا به بهانه تغییر کاربری و توسعه، بزرگان خود را این گونه مخفی نمی‌کنند.

به اعتقاد کارشناسان و تاریخ پژوهان، این سه گورستان هویت تبریز هستند و به دلیل قرار گرفتن

به این دلیل سودمند می‌داند که منتهی به اعتقاد به یگانگی خداوند می‌شود و از این راه، به عمق عظمت پروردگار و گستردگی حکمت و جلالِ قدرت و لطافت صنع او پی می‌برد زیرا خداوند فرموده است: «إن فی خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل والنهار، لآیات لأولی الألباب.»

تلقی دینی از علم در اوایل شکل‌گیری مدرنیته
وقتی که علم به‌واسطه دوره نهضت ترجمه، در اواخرقرون وسطی، از جهان اسلام به جهان غرب منتقل شد، اغلب متفکرین این دوره، همین تلقی اسلامی از علم را قبول داشتند. هاینبرگ درباره یوهانس کپلر، از دانشمندان اواخر قرون وسطی و اوایل دوره مدرن می‌گوید: برای کپلر، علم وسیلهٔ تأمین منافع انسان یا یک فناوری برای بهتر زیستن در جهان و بازکردن راه‌های پیشرفت برای ما نبود، برعکس علم وسیله‌ای برای ارتقای ذهن و یافتن آرامش در تفکر درباره کمال ابدی خلقت بود. بویل، صاحب قانون مشهور بویل در فیزیک و همزمان با نیوتن، می‌گوید:«وقتی من با تلسکوپ‌های واضح، ستارگان و سیاره‌هایی را که قدیم و جدید کشف شده بودند بررسی می‌کنم، وقتی با میکروسکوپ‌ها کار شگفت‌انگیز طبیعت را می‌بینم، وقتی با کمک جاقوهای تشریح و نوراجاق‌های شیمیایی کتاب طبیعت را مطالعه می‌کنم، همراه با زبورخوانان با شگفتی می‌گویم ای خدای من چقدر آثار تو متنوع هستند». نیوتن نیز درباره کتاب مشهورش «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» در نامه‌ای به یک اسقف انگلیسی، این اصول را مشوق مردم به اعتقاد به خداوند می‌داند.

دکتر گلشنی از خلال اشاره به این نمونه‌ها، به این واقعیت اشاره می‌کند که تفکیک دین از علم، حتی در اوایل دوره تکوین مدرنیته، وجود نداشته است. نیوتن به‌عنوان بنیانگذار علم جدید، «یک موحد تمام‌عیار بود که حتی به تثلیث نیز اعتقاد نداشت که حتی به‌خاطر عدم اعتقادش با دفن کردن او در کلیسا مخالفت می‌کردند و بیش از آنکه در فیزیک، آثاری داشته باشد، در الاهیات نوشته است و یک میلیون و ۳۰۰ هزار کلمه در الهیات از نیوتن به ما رسیده است. اما چه اتفاقی افتاد که فیما بین علم و

گجیل؛ گورستانی که به نفع توسعه شهری کناره‌گیری کرد

در سه ضلع غرب، جنوب و شمال تبریز در توسعه شهر نقش مهمی داشته‌اند که امروز تبریز به صورت مثلی رشد یافته است؛ به عبارتی، تمامی راه‌های قدیمی داخل شهر به واسطه ارتباط مرکز شهر با این گورستان‌ها تشکیل یافته‌است.

خاماچی، عضو شورای شهر تبریز می‌گوید: گورستان‌هایی که سی سال از تاریخ آخرین دفن در آنها می‌گذرد، می‌توانند به مدرسه‌ها و پارک‌ها تغییر کاربری دهند ولی این تغییرات نباید به نابودی تاریخ آنها منجر شود.

این استاد تاریخ شناس اضافه می‌کند: در حال حاضر شما هیچ نشانه‌ای از گورستان گجیل یا چرنداب نمی‌توانید ببینید که همین نابودی کامل به تدریج منجر به از یاد رفتن این محل‌های مهم می‌شود چرا که بی‌شمار از افراد مهم و اثرگذار در تاریخ، در این گورستان‌ها دفن شده‌اند.

وی با اشاره به دیگر قبرستان‌های مهم تبریز که امروز رد و نشانی از آنها باقی نمانده و دچار تغییر کاربری شده‌اند، ادامه می‌دهد: قبرستان قوم تپه یکی از اینها در محله دوه‌چی تبریز بود که محل دفن مشاهیر بزرگی بود و امروز یادمان پنج سربازی که در حمله شوروی کشته شدند در آنجا ساخته شده است. خاماچی تصریح می‌کند: گورستان آتش توکن هم از گورستان‌های تاریخی و مهم تبریز در محله تپه‌لی باغ بود. این گورستان در محله خیابان در جنبش مشروطه، مدفن تعداد کثیری از مشروطه خواهان بود؛

روایت دکتر مهدی گلشنی از علم پیش و پسامدرنیسم

مدرنیته و علم

دین، گسست و تفکیک شدیدی اتفاق افتاد؟»

تفکیک علم از دین

دکتر گلشنی نقطه آغاز گسست و تفکیک علم از دین را از جهان اسلام می‌داند. سده ششم و غلبه متکلمان اشعری که از قرن پنجم آغاز شده بود، نقطه عطفی است که علوم عقلی و تجربی در میان مسلمانان به حاشیه رانده می‌شوند. «علوم عقلی و ریاضیات، طبیعیات، فلسفه و نظایر آنها از مدارس نظامیه جمع شد. تنها فقه و برخی از علوم خاص اسلامی در این مدارس تدریس می‌شد. حتی در نظامیه بغداد هم فقط فقه شافعی به دلیل حضور خواجه نظام‌الملک و فقه حنفی به خاطر حضور ملک‌شاه تدریس می‌شد و در مجموع، علوم عقلی قلع و قمع می‌شدند. خلفای عباسی نیز از تفکر اشعری حمایت می‌کردند و از آموزه تقدیر الهی که در این مکتب جایگاه قابل توجهی دارد، به سود تقویت بنیان‌های نظری دستگاه حاکم بهره می‌بردند. در این میان حتی فردی مانند خواجه‌نصیرالدین طوسی در مدارس خصوصی تربیت شد که با پنج واسطه شاگرد ابن سینا بود. این وضعیت با همه فراز و نشیب‌هایش تا زمانی که به دوره صفویه رسید، همچنان ادامه داشت. همزمان با ظهور ملاصدرا و میرداماد، علم جدید در غرب ظهور کرد و پس از ملاصدرا در ایران رو به افول نهاد. هرچند تک‌نگاری‌های علمی وجود دارد، اما دیگر جریان غالب نیست. حداکثر چیزی که می‌بینید یک خلاصه از شیخ بهایی می‌بینید، یک چیزهای منفعل و تکمیلی می‌بینید و دیگر جریانی از علم در جهان اسلام نیست.

تحولات علم و دین در غرب و تفکیک علم از دین
ظهور و پیشرفت علم در جهان غرب با مکتب تجربه‌گرایی رواج یافت. دکتر گلشنی به تأثیر دانشمندان و فیلسوفانی مانند نیوتن، جان لاک، دیوید هیوم، کانت و لاپلاس اشاره می‌کند. در قرن هجدهم، دانش بلامنازع، فیزیک بود و به رغم افرادی مانند مکسول و فارادی، قرن هجدهم و نوزدهم سرآغاز افول دین در غرب بود. هیوم، در اصل علیت تشکیک کرد، کانت هم شأن متافیزیک را پایین آورد.

توسعه شهری کناره‌گیری کرد

از جمله مادری که فرزندان خود را در محاصره یازده ماهه تبریز توسط نیروهای وابسته به محمدعلی‌شاه از دست داده بود. پسران این زن در گورستانی در محدوده تپه‌لی باغ دفن شده بودند. دراین میان پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، این مادر، مقداری نان و ظرفی پر از آش با خود برداشته به گورستان محله برسر قبر پسرانش رفته و با فرزندانش درددل می‌کند.

به گفته خاماچی، بعدها دبیرستان شهید خیابانی در محل این گورستان ساخته شد که امروز ساختمان همان مدرسه قدیمی را هم فرو ریخته‌اند.

در این بین میمنت‌نژاد از گورستان طوباییه به عنوان یکی دیگر از قبرستان‌های فرعی و مهم تبریز یاد کرده و می‌گوید: باغ طوباییه متعلق به حاج رضا طوبی از تاجران بزرگ و معروف تبریز است که در پی یک اختلاف خانوادگی، برای جلوگیری از به جا ماندن این باغ برای فرزندانش، تصمیم به وقف آن برای کاربری گورستان می‌گیرد. در سال‌های اخیر این گورستان بزرگ که محل دفن نام‌های بزرگ همچون حاج حسین نخجوانی، باقرخان سالارملی، آیت‌الله شهیدی و... بود، به بوستان طوبی تغییر کاربری داد. این تاریخ پژوه از گورستان امامیه به عنوان تنها گورستان باقیمانده قدیمی و مهم در تبریز یاد کرده و می‌گوید: خاندان امامیه از خاندان قاجاری تبریز هستند که این قبرستان توسط میرزا کاظم امامی سال ۱۲۷۵ وقف می‌شود. بعدها حامد امامی نواده این خانواده که مهندس معمار است، مقبره‌ای خانوادگی برای ۲۱ قبر از

در قرن نوزدهم نیز آگوست کنت و مکتب پوزیتیویسم ظهور کرد که با طرح نظریه مراحل تاریخی‌اش، پوزیتیویسم و دین انسانیت را ترویج و خودش را پیامبر آن دین معرفی کرد. همزمان با کنت، داروین نیز در جهت تضعیف دین قدم برداشت. در قرن بیستم نیز پوزیتیویسم منطقی در دهه ۱۹۲۰ ظهور کردند که هرگونه گزاره غیرتجربی را بی‌معنا می‌دانستند. وضعیت علم‌زدگی در این دوره تا حدی بود که جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر سابق هند، حل هر مسئله‌ای را در گرو حل علمی آن دانست.

تغییر وضعیت علم‌زده در غرب

دکتر گلشنی وقوع جنگ‌های جهانی را مهم‌ترین عامل بر هم خوردن وضعیت علم‌زدگی قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ معرفی کرد. او برای نمونه به برتراند راسل اشاره می‌کند که شأنی قابل توجه برای علم قائل بود و اعتقادی به الاهیات نداشت. او در رساله‌ای که در ۱۹۲۴ منتشر شد، نسبت به تبعات ناگوار علم مدرن هشدار داده بود. دکتر گلشنی به ناراحتی‌های انیشتین درباره بمب اتمی که درآین منفجر شد و به احساس مشابهی که در مکس بورن و دیگر دانشمندان بود، اشاره می‌کند که بعضی از آنها اساساً از مطالعه فیزیک اظهار پشیمانی می‌کردند.

این وضعیت باعث شد که در نیمه دوم قرن بیستم، ما شاهد ظهور آثاری از دانشمندانی نظیر ارنست فردریش شوماخر، اقتصاددان آلمانی باشیم که یکی از آثار او به نام «رهنمای حیرت‌زدگان» به فارسی ترجمه شده است و در آنها به تفاوت علم مدرن و ماقبل مدرن که عمدتاً ناظر به حکمت بوده است، اشاره می‌کند. او می‌گوید: «علم قدیم، حکمت یا علم برای شناخت حق مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق بود که آن دانش، برای انسان خوشبختی و نجات به بار می‌آورد، اما دانش جدید عمدتاً متوجه قدرت مادی شده است. این گرایش آنچنان رشد کرده که تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی، تبدیل به هدف اولیه و توجیه اصلی برای هزینه‌کردن در کار علمی به حساب می‌آید». از این دست آثار در این دوره بسیار زیاد منتشر شده و می‌توان به آثار افرادی نظیر نیکولاس مکسول نیز اشاره کرد.

خانندان خود احداث می‌کند.از نکته‌های مهم و قابل

توجه که باعث شهرت این گورستان شده، دفن صمد بهرنگی، نویسنده برجسته در آن است.

وی ادامه می‌دهد: سال‌هاست که اجازه هیچ گونه دفن جدید در این گورستان صادر نمی‌شود در حالی که همان قانون ۳۰ سال از آخرین دفن و تغییر کاربری گورستان در مورد امامیه هم می‌تواند پس از چند سال اتفاق افتد.

در زمان‌های گذشته تقریباً در هر یک از محلات تبریز، گورستانی وجود داشته است. از گورستان قدیمی نوبر که بعدها ساختمان امروزی شهرداری تبریز در میدان ساعت در روی بقایای آن ساخته شد گرفته تا گورستان حکم‌آباد که بعدها به مدرسه تغییر کاربری داد و گورستان شاولا که امروز تبدیل به مجتمع فرهنگی و پارک بانوان آنا شده است.

زندگی ادامه دارد و هر روز ماشین ساخت و سازها هر چه از گذشته باقی را زیر گرفته و بی‌رحمانه پیش می‌آید. شهروند مدرن به مدرسه، مرکز خرید، مترو، بوستان و صدها نمونه دیگر از این دست احتیاج دارد و سرگ کشیدن به پستوهای تاریخی حوصله می‌طلبد. تغییر کاربری گورستان‌های قدیمی امری طبیعی است و نمی‌توان شهر را تبدیل به گورستانی بزرگ کرد. تنها نکته قابل توجه در این میان حفظ نام و نشانی از این مدفن‌های تاریخی است که بزرگانی از شاخه‌های مختلف در آنها آرام گرفته‌اند.

منبع: اعتماد

هر کس میان مسلمانان تفرقه ایجاد کند رابطه خودش را با رسول الله(ص) قطع کرده است

آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی سخنانی در مراسم سالروز حماسه ۲۶ مرداد سال ۵۸ پاه و یادواره شهدای پاه که در مسجد جامع این شهر برگزار شد، با اشاره به سالروز مقاومت، حماسه، شهادت و ایثار مردم پاه و روز آزادی آزادگان انقلاب اسلامی گفت: حضور در جمع مردم مبارز، متحد و پایدار پاه افتخاری برای بنده است و من در این جایگاه به مردم و به امام جمعه پاه و علامه مجاهد این شهر شهید پرور ماموستا ملا قادر قادری به دلیل این مقاومت پایدار و ایستادگی عظیم تبریک عرض می‌کنم.

وی با بیان اینکه در آیه قرآن خداوند یک ویژگی مهم برای جامعه مؤمن بیان می‌کند افزود: زمانی که عدای آمدند تبلیغات کردند و گفتند دشمن نیروهای خود را برای محاصره جامعه پیامبر اکرم (ص) بسیج کرده است و مدینه محاصره شده و اکنون کار مسلمان و پیامبر اکرم (ص) تمام است تا روحیه مردم مسلمان و مؤمن مدینه و جامعه اسلامی را تضعیف کنند.

آیت الله اراکی با اشاره به اینکه این افراد شایعه‌پرداز گفتند که دشمنان از هر طرف علیه شما نیرو تجهیز کردند و شما به طور کامل محاصره نظامی و اقتصادی شده‌اید، گفت: در پاسخ به این تبلیغات چه شنیدند، یاران پیامبر اکرم(ص) در برابر این توطئه و تبلیغات روانی دشمن فرمودند تنها خدا برای ما کافی است و بهترین عهده‌دار، سرپرست و حامی برای ما خداوند متعال است. دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: اعتماد به خدای متعال و ایستادگی در برابر تبلیغات منفی، محاصره و تحریم های دشمن دو نتیجه برای جامعه مؤمن به همراه دارد یکی وحدت و یکپارچگی و دیگری برتری ورشد است.

وی با بیان اینکه چرا جامعه مسلم برادرند؟ چرا شیعه و سنی با هم برادرند؟ اظهار داشت: دلیل برادری مسلمانان این است که همه فرزندان یک پدرند و این پدر وجود مقدس رسول الله(ص) است؛ این پدری رسول الله است که جامعه مسلمانان را برادر می‌کند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: هر کسی که مردم جامعه اسلامی را به پراکندگی فرا بخواند و دعوت به تفرقه کند از فرزندی رسول خدا(ص) خارج شده و پیوندش با رسول الله قطع می‌شود.

آیت الله اراکی با اشاره آیاتی از قرآن کریم پیرامون وحدت مسلمانان، اظهار داشت: هر کس جامعه اسلامی را پراکنده و میان مسلمانان دشمنی و تفرقه ایجاد کند رابطه خودش را با رسول الله قطع کرده است.

وی با اشاره به اینکه هر کسی «شهد ان لا اله الا الله» را بگوید فرزندی رسول اکرم(ص) را پذیرفته و عضو جامعه اسلامی شده، تأکید کرد: این گروه‌های تروریستی که دعوت به تفرقه می‌کنند اگر ایمان به خدا و رسول اکرم(ص) دارند بدانند دعوت به تفرقه یعنی خروج از امت رسول الله.

آیت الله اراکی در ادامه به فساد برخی از سران کشورهای اسلامی اشاره کرد و گفت: امروز فساد امرای کشورهای حاشیه خلیج فارس عالم گیر شده است و ننگ جامعه اسلامی شده اند؛ فساد، کشتارهای درون خانوادگی آنها فراگیر شده است و مؤمنان از اینها نباید پیروی کنند و تحت‌تأثیر تبلیغات سوء، جوسازیها و فراقکنی‌های آنها قرار بگیرند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: ثمره دوم مقاومت، فضل الهی است و این فضل یعنی برتری و تعالی امت اسلامی. امروز همه اذعان دارند که مردم جامعه اسلامی ایران در فهم سیاسی، شجاعت، مقاومت، ایمان، ایستادگی در پای ارزش‌ها و دفاع از حقوق مستضعفین برترین هستند.

آیت الله تسخیری:

قرآن توصیه به زندگی عاری از خشونت می‌کند

آیات مختلفی که در خصوص موضوع واحدی آمده، انسجام به وجود می‌آورد. سپس در پاسخ به ضرورت شناخت عمومی قرآن که يك سؤال مهمی است و شناخت دیدگاه‌های ضروری که در راه شناخت قرآن قرار می‌گیرد، تأکید می‌کند؛ به خصوص در شرایطی که جامعه پراز دیدگاه‌های ناهمگون است. و یادآور می‌شود که منظور این نیست که ما از تفسیر ترتیبی بی‌نیاز شویم؛ بلکه به دنبال افزودن گرایشی بر گرایش‌های گذشته هستیم و در حقیقت گرایش موضوعی گامی به پیش و نه جایگزین است.

اندیشمند و محقق صاحب‌نام جهان اسلام، در بخش دیگری از سخنان خود در این دور از گفت‌وگوهای دینی ایران و شورای جهانی کلیساها، اظهار کرد: باید توجه کامل داشته باشیم که تفسیر موضوعی به عنوان جایگزین تفسیر ترتیبی نیست؛ بلکه گام دوم است. همچنین باید توجه شود که اساسی‌ترین اصل در تفسیر موضوعی آن دیدگاهی است که از متن به دست می‌آید و جایی برای تحمیل دیدگاه بیگانه از متن را بر متن وجود ندارد. توجه به هرآنچه در راه غنی‌سازی موضوع مورد نظر کمک کند، از دیگر مواردی است که مفسران باید به آن الزام داشته باشند.

آیت‌الله تسخیری همچنین با اظهار اینکه مفسران در سه مرتبه قرار دارند، این مراتب را اینگونه برشمرد: مرتبه انبیاء که تفسیر آنها قطعی است. مرتبه اوصیا که تفسیر آنها بر اساس حدیث ثقلین قطعی است. مرتبه علما که اگرچه تفسیرشان قطعی نیست؛ اما بایستی حتی‌الامکان مورد توجه باشد.

وی سپس تأکید کرد: بنابراین نگرش ما به میراث دینی بایستی با دقت همراه باشد و

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

تکفیر محصول الگوهای رفتاری افراط‌گرایانه است

مقدس‌بیان‌گران است که این آموزه‌ها، اشتراکات زیادی با یکدیگر دارند که نه تنها در اصول محوری اعتقادی مانند اعتقاد به معبود واحد، اعتقاد به اصل نبوت، اعتقاد به فانی بودن دنیا و پاداش و مکافات اعمال در عالمی غیر از این دنیا قابل ملاحظه است؛ بلکه در فروع دین نیز فرامین مشابهی مانند برپایی اعمال و مناسک دینی و عبادی و ... وجود دارد. با این وجود، یکی از

مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌های گذشته تا به امروز جامعه جهانی، اختلافات مذهبی بوده که بخش اعظم آن به واسطه چگونگی تفسیر متون مقدس توسط مفسران، پدید آمده است به نحوی که همواره این مسأله مستمسکی برای ایجاد خشونت، اختلاف و نزاع بین ملت‌ها و دولت‌ها شده است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در ادامه با گفتن اینکه بی‌تردید متون مقدس بخش عظیمی از میراث ادبی جهان را تشکیل می‌دهند که به واسطه تأثیری که هر یک از آنها در حوزه رواج و نفوذ خود داشته‌اند، می‌توان آنها را قلب و روح ادبیات جهان نیز نامید، اظهار کرد: به این دلیل که متون مقدس دربردارنده مبانی عقیدتی و آیینی ادیان بزرگ هستند، بنابراین هرگونه تلاش برای شناخت ادیان، مستلزم شناخت کتب مقدس، نحوه شکل‌گیری و تثبیت و همچنین روش‌های تفسیر آنهاست.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: محور اصلی انعقاد اندیشه‌های افراطی و تکفیری که خشونت و انعطاف‌ناپذیری را برای بشریت در دو قلمرو فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد، فهم و تفسیر نادرست و غیرمنطقی از متون مقدس است. صاحبان

آیت‌الله محمدعلی تسخیری، مشاور مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام و رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سخنرانی خود در نخستین پنل علمی نهمین دور گفت‌وگوی دینی ایران با شورای جهانی کلیساها، در شرح تفسیر موضوعی متون دینی مقدس و ویژگی‌های مفسر، گفت: شهید سید محمدباقر صدر، تفسیر را به دو بخش ترتیبی (آیه به آیه) و موضوعی تقسیم می‌کند. در تفسیر ترتیبی، مفسر غالباً نمی‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد؛ زیرا متن قرآنی را به طور محدود و بدون هیچگونه پیش‌فرضی مورد بررسی قرار می‌دهد و بیشتر به دنبال تبیین معنای قرآنی بر اساس قرائن متصل و منفصل است.

وی افزود: اما مفسر موضوعی، تفسیر خود را با توجه به واقعیت‌های زندگی آغاز می‌کند و بر مطالب مرتبط با زندگی اعتقادی و اجتماعی و جهان‌بینی متمرکز می‌سازد و تجربه‌های اندیشه انسانی در پیرامون آن موضوع اعم از چالش‌ها، راه‌حل‌ها و پرسش‌ها را مورد پردازش قرار داده و آن را به متن قرآنی عرضه می‌دارد. سپس وارد گفت‌وگو با قرآن کریم شده تا پاسخ‌های قرآن را در برابر آنچه عرضه می‌دارد، بشنود. تفسیر ترتیبی به معانی گسترده آیات قرآنی بسنده می‌کند، حال آنکه تفسیر موضوعی در پی به دست آوردن جهت‌های گوناگون پیوستگی این معانی گسترده برای شناخت ترکیب دیدگاه قرآنی است.

آیت‌الله تسخیری ادامه داد: شهید صدر خلاصه تفاوت‌ها را در این می‌بیند که با تفسیر موضوعی، مفسر واقعیت بیرونی را در نظر گرفته و به قرآن رجوع می‌کند، تا انسجامی میان تجربه انسانی و مضمون قرآنی حاصل، و البته تجربه انسانی را زیر چتر معانی قرآنی برده، همانگونه که میان

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، دکتر محمدحسین مختاری، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در سخنرانی خود در نخستین پنل علمی نهمین دور گفت‌وگوی دینی ایران با شورای جهانی کلیساها، با اشاره به اینکه انعطاف‌ناپذیری، جزم‌اندیشی و رفتارهای حذف‌گرایانه در طول تاریخ بشر همواره خشونت‌ها و کشتارهای بی‌شماری را رقم زده است، گفت: پدیده تکفیر و خشونت که همیشه احساسات بشریت را جریحه‌دار کرده است، زاینده الگوهای رفتاری افراط‌گرایانه بوده است.

وی افزود: این افراطی‌گری گاه در قالب یک جنبش اجتماعی نظیر روی کار آمدن فاشیسم بروز کرده است. گاه در نتیجه اقدامات ضدنژادی نظیر نسل‌کشی مسلمانان بوسنی به وسیله صرب‌ها، یا فلسطینی‌ها به وسیله اسرائیلی‌ها رخ داده است. گاه نیز این تندروی‌ها را سازمان‌های چندملیتی تروریستی نظیر القاعده و داعش انجام داده‌اند.

مختاری ادامه داد: در زمان کنونی، داعش باززترین مثال افراط‌گرایی منبعث از مقوله خود تفسیری است. لذا بر همگان آشکار است که رفتار داعش قبل از هر چیز جنایت‌کارانه و اقدام خصومت‌آمیز علیه بشریت است. فرد فرد گروه داعش دچار انقباض روانی و درگیر عقده‌های درونی خود هستند. آنچه می‌بینیم دغدغه‌های فردی آنهاست و نه مشکلات اسلام و مسلمین که به شکلی بیمارگون در عرصه گروهی و اجتماعی برون‌ریزی شده است. داعش نگران اسلام نیست؛ بلکه نگران خودش است و برای حل این نگرانی زمین و زمان را درگیر خود کرده است.

وی همچنین گفت: این چالش اساسی در جهان معاصر در حالی است که مطالعه و بررسی متون



این تفکر می‌کوشند تا درک ناقص و نسبی خود را از متون دینی به جای حقیقت ذلال دین بنشانند و دین را که امری فرازمانی است و مرتبط با فطرت انسان‌ها است آن را در تنگنای قشریت و تحجر گرفتار سازند و این بزرگ‌ترین مصیبتی است که متوجه جوامع دینی است و خطر وجود این نوع تفکرات بر هیچ یک از افراد صاحب‌خرد و دیندار پوشیده نیست. چرا که اینان نه تنها در پیدایش شبهات و تردیدهای فروان در عرصه دین و دینداری بسی نقش آفرینند؛ بلکه همسو با استکبار جهانی در «دین‌هراسی» و خروج از دین‌گرایی به گونه زایدالوصفی تأثیر گذارند.

مختاری در ادامه سخنانش اصل عدم تغییر یا اصل ثبات حقیقت، اصل امکان فهم حقیقت، اصل مشترک بودن همه آدمیان در فهم و ادراک و اصل امکان جایگزینی را از اصول و قواعد فهم و تفسیر متن و موانع وصول به فهم صحیح، معرفی کرد و عوامل بینشی (مثل پیش‌دانسته و پیش‌فرض)، عوامل گرایشی (مثل احساسات و گرایش‌های درونی) و عوامل محیطی (مثل پدر، مادر، معلم، تبلیغات رسانه جمعی، محیط فکری و فرهنگی) را عوامل تأثیر گذار در فهم برشمرده و موانع فهم را بینشی (پیش‌فرض‌ها، پیش‌داوری‌ها، علایق شخصی و خانوادگی) و گرایشی (عدم اعتدال در گرایش‌ها)، دانست.

همچنین از منظر رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی که در این پنل علمی بیان شد، اگر پیش‌فرض‌های ظنی و پنداری را در فهم آیات دخالت دهیم، باعث اخلاص در فهم می‌شود و تبعیت از ظن، انسان را به حقیقت نمی‌رساند چون پیش‌فرضش پایه و اساس ندارد.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشد

آیت‌الله محقق داماد:

با قحطی کتابخوان مواجهیم



دکتر سید مصطفی محقق داماد در آئین یادبود زنده‌یاد عبدالحسین حائری با اشاره به تأسیس و راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ فروشگاه و باغ‌های کتاب گفت: همه زحمتی

که در تالیف، تدوین و نشر کتاب کشیده می‌شود، قابل احترام است اما در این میان باید گفت کتابخوان کجاست؟ به عبارتی باید بگوییم که فاجعه قحطی کتابخوان در ایران رخ داده است.

به گزارش اینستا، در آئین یادبود زنده‌یاد عبدالحسین حائری که در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی برگزار شد، دکتر سیدمصطفی محقق داماد گفت: می‌ترسم وقتی اینجا، در مراسم یادبود، زنده‌یاد عبدالحسین حائری نشستیم و از گردآوری نسخ خطی، فهرست‌نویسی، کتاب و کتابخانه سخن می‌گوییم و به طور خلاصه درد بی‌درمان کتاب داریم، فردی از بیرون به ما بخندد و این بیت سعدی را در وصف‌الحال ما زمزمه کند: خانه از پای بست ویران استر خواجه در فکر نقش ایوان است!

وی افزود: این همه هزینه و بودجه برای تالیف و نشر کتاب اما دریغ از قشری که این آثار را ورق بزنند. باید از خود پرسیم که چه می‌کنیم؟ این همه زحمت و رنج برای تحقیق و تالیف، اما کتابخوان کجاست؟

استاد دانشگاه شهیدبهشتی ادامه داد: بنده هفتاد و دو سال دارم و شاید دیده باشید که در ماه یکی دو مقاله در روزنامه‌های کثیرالانتشار مانند اطلاعات دارم، حتماً برای مجلات تحقیقاتی مقاله‌ای منتشر می‌کنم و برای مجله دانشکده خودمان هم مطلبی می‌نویسم و در چند نشریه دیگر هم به فراخور زمان و احوال موضوعی را قلمی می‌کنم، دلم می‌خواهد کسی بیاید و بگوید فلانی بد نوشتی! این مطلب را اشتباه نوشتی! چه برسد به اینکه بیاید تعریف کند و دست میریزد بگوید.

محقق داماد بیان کرد: متأسفانه باید رک بود و گفت که کتابخوان کشور ما در حال قحط شدن است و نمی‌دانم علت این فاجعه چیست؟ اگرچه مسائلی را می‌دانم و به نظرم باید بنشینیم و ببندیشیم که چه شده و چاره چیست؟ در این اوضاع و احوال که وصفش رفت، چند وقت پیش به باغ کتاب رفته بودم، چه دم و دستگاه و امکاناتی و چه اندازه کتاب! با دیدن این همه کتاب با خود گفتم کتابخوان کجاست؟ افسوس و صدافسوس که کتاب در جامعه امروز ما متاع پرطرفداری نیست!

جای خالی امام موسی صدر

سخنرانی و سخن‌گفتن بسنده نمی‌کرد.

*با عنایت به وجود سه چهار نفر مرجع تقلید طراز اول (دامت برکاتهم)، و وجود «من به الکفایه» دیگر نیازی نمی‌دید که به مرجعیت بیاندیشد و بیتی جداگانه راه بیندازد. بلکه با انحرافات در این موضوع مبارزه می‌کرد و تأسیس دفتر تجملی و پرخرج و بدون سابقه در تاریخ مرجعیت شیعه را آن هم فقط برای روضه دهه محرم در آن و تثبیت جایگاه خود بر نمی‌تافت. بر این نظر بود که در شهری مانند شهر مقدس قم با وجود فضاهای گسترده و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) و مصلی و آن همه حسینیه و مسجد، دیگر نیازی نیست و بلکه مشروع نیست که بنایی عظیم و پرخرج ساخته شود و در طول سال معطل و بلااستفاده بماند و فقط دهه محرم در آن چند شب روضه برگزار باشد و بس! و با هر چه دعوت به خود بود مبارزه می‌کرد از پخش و اهدای رساله عملیه بین مبلغان و روحانیان به عنوان بسته فرهنگی گرفته تا بدون تخصص در ادبیات عربی و فارسی به ترجمه مغلوط قرآن مجید پرداختن، و با استفاده از انزانت جایگاه خود، به چاپ و نشر آن در شماری وسیع پرداختن و اهدا و فروش آن و... قس علیه باب فعل و تعفل!

*با بررسی عمیق و همه‌جانبه، علل و عوامل

با توجه به موقعیت و جایگاه علمی و فقهی امام موسی صدر، اگر او امروز در حوزه علمیه بود، در ردیف مراجع طراز اول محسوب می‌شد. از سوی دیگر وی مصلح اجتماعی و دینی بود و همت و وقت و عمر خود را صرف کارهای مهم و از سوی دیگر امور زمین‌مانده می‌کرد نه کارها و امور تکراری، و در پی درمان دردهای اجتماعی و انسانی بود، نه تثبیت جایگاه خود و بهره‌برداری شخصی از این جایگاه. با عنایت به این ویژگی‌ها، به نظر این ناچیز، اگر امروز امام موسی صدر در قم و حوزه بود، در خصوص داخل ایران به این امور می‌پرداخت:

*همانند ایام اقدامش در لبنان، به تمام روستاهای شیعه‌نشین محروم سیستان و بلوچستان و سایر نقاط ایران مسافرت و سرکشی می‌کرد و از نزدیک و به‌طور عینی و ملموس مشکلات و نابسامانی‌ها و فقر و محرومیت اقتصادی و فرهنگی آنان را بررسی و صدای خرد شدن استخوانهای محرومان را مستقیم و بلاواسطه و از نزدیک می‌شنید و به جای اینکه در قم بنشیند و نماینده بفرستد یا نفرستد، خود شخصاً به آن مناطق سفر و از آن‌ها بازدید و برایشان سخنرانی و اقامه جماعت می‌کرد. درست مانند لبنان و برای پیشرفت اقتصادی و فرهنگی آنان چاره‌جویی و راهکار ارائه می‌کرد و آن را عملی می‌ساخت و به

به مناسبت چهلمین سالگرد ربوده شدن امام موسی صدر انجام شد

مراسم رونمایی جلد اول مجموعه «مشاهیر خاندان صدر»



مراسم رونمایی جلد اول مجموعه «مشاهیر خاندان صدر» روز نهم شهریورماه به مناسبت چهلمین سالگرد ربوده شدن امام موسی صدر با حضور جمعی از علما، فضلا، محققین و صدرشناسان حوزه علمیه قم در خانه «انتشارات راز نی» برگزار شد.

در این مراسم که حضرات آیات، حجج اسلام و استادان سید هادی خسروشاهی، شیخ محمود خلیلی، شیخ رضا مختاری، دکتر محمدعلی مهدوی

راد، دکتر مسعود ادیب، سید کاظم شمس، شیخ عبدالرحیم ابادری، سید حسن آقامیری، دکتر بیات، حاج رحیم کمالیان، دکتر سید کاظم صدر، مهندس مهدی فیروزان، محسن صادقی، سید مصطفی مطبوعه‌چی، دکتر مهدی شاکری، دکتر محمدجواد خلیلی، ایمان محمودی و فرید مدرسی حضور داشتند. پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، ابتدا محسن کمالیان مولف کتاب توضیحاتی را در

باره اهمیت خاندان صدر و اهداف طرح پژوهشی «مشاهیر خاندان صدر» ارائه کرد.

وی اظهار داشت: در طول یک و نیم قرن گذشته، هیچ بیتی از بیوت مهم شیعه، مانند خاندان صدر در بالاترین سطوح زعامت دینی، اجتماعی و سیاسی عالم تشیع، نقش آفرینی نکرده است.

وی پیشنهاد کرد که نهادهای حوزوی طی سال جاری که صدمین سال درگذشت آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر است، همایشی را جهت تکریم

خدمات علمی وی و خاندان صدر برپا سازند. وی همچنین پیشنهاد نمود تا افراد متمدن خاندان صدر جهت انتشار آثار خطی پیشینیان خود و احیاء این تراث ارزشمند علمی آستین همت بالا زنند.

سپس آقایان سید کاظم صدر، مهدی فیروزان و رضامختاری درباره کتاب‌سخنانی ایراد کردند. پس از آن مراسم رونمایی کتاب توسط آقایان سیدهادی خسروشاهی، شیخ محمود خلیلی، مهدوی‌راد و سید کاظم صدرانجام گرفت. آنگاه آقایان شیخ محمود خلیلی، سید هادی خسروشاهی، مسعود ادیب و سید حسن آقامیری نکاتی را راجع به اندیشه و اخلاق امام صدر مطرح کردند.

جلد اول مجموعه «مشاهیر خاندان صدر» شرح حال تفصیلی تعداد بیست و نه تن از مشاهیر ایرانی این خاندان را در هزار و هفتاد و دو صفحه به علاقه‌مندان ارائه کرده است. جلد دوم این مجموعه با نام فرعی «نسب‌نامه خاندان آقامجتهد» سال ۱۳۹۴ منتشر شد.

«آن است شیوه حکومت» ترجمه نامه امام علی(ع) به مالک اشتر

برای این اثر تالیف کرده است. او در مقدمه خود به نوعی هدف از حکومت در اسلام و آنچه به عنوان خلافت و حکمرانی در این آئین بر مسلمانان رفته را مرور و در ادامه از زبان خود درباره منشور حکومت علوی و اسلامی که برگرفته از نهج البلاغه است و در نامه حضرت امام علی(ع) به مالک اشتر متبلور می‌شود نکاتی را بیان کرده است.

شجاعی در این مقدمه که برای فهم محتوای این نامه، متنی کارساز و دقیق به شمار می‌رود، نخست تقسیم‌بندی حکومت اسلامی به دو شیوه حکومت برگرفته از اسلام علوی و حکومت برگرفته شده از اسلام اموی را معرفی و ترسیم می‌کند و برای هر یک از آنها نیز شاهد مثالی را برمی‌شمارد. در ادامه شجاعی با بیان مختصر ویژگی‌های هر یک از دو شکل از آئین مسلمانی و حکومت داری، به بایسته‌های و ضرورت‌های قواعد حکومت از منظر اسلام حقیقی اشاره کرده و نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر را نماد و سمبل خلق این قواعد معرفی می‌کند و از مخاطب می‌خواهد این فرمان را به عنوان شاخصی برای بررسی رفتارهای دولت‌مردان مورد استفاده قرار دهند و با آن دست به شناسایی و واکاوی کارنامه عمل آنها بزنند.

شجاعی همچنین از این عهدنامه در بخشی از مقدمه خود به عنوان مهمترین سند در حمایت از حقوق بشر در تمامی دنیا یاد کرده است و تأکید دارد که از ابتدای خلق بشریت تاکنون هیچ سندی به مانند این به تعریف حدود رابطه میان مردم و حکومت نپرداخته است.

کتاب «آن است شیوه حکومت» تازه‌ترین اثر سیدمهدی شجاعی از سوی انتشارات کتاب نیستان روانه بازار کتاب شد.

کتاب «آن است شیوه حکومت» تازه‌ترین اثر سید مهدی شجاعی است. این کتاب ترجمه شجاعی از عهدنامه و یا همان نامه معروف حضرت امام علی(ع) به مالک اشتر است که در نهج‌البلاغه نیز آمده است. شجاعی در این کتاب نظر به اهمیتی که برای این فراز از نهج‌البلاغه به عنوان منشور و آئین‌نامه حکومت اسلامی قائل بوده است، آن را به صورت مجزا در قالب کتابی آورده است.

شیوه ترجمه این متن ارائه همزمان متن با ترجمه است. شجاعی در صفحات این کتاب متن فارسی و به دنبال آن و در کنارش، متن عربی این نامه را قرار داده است و سعی کرده با استفاده از ساده‌ترین و شیواترین عبارات از عهده ترجمه این اثر برآید. نکته قابل توجه در این ترجمه آهنگین بودن آن و تلاش برای ارائه متنی است که بی‌آنکه به دنبال روایتی شاعرانه در ترجمه باشد توانسته آهنگی حماسی به خود بگیرد و به شکلی خاص عبارات را در پی هم و به منظور ترجمه قرار دهد.

شجاعی که پیش از این نیز در حوزه ترجمه آثاری همچون ترجمه برخی از ادعیه را در قالب کتاب عرضه کرده است، در این اثر تازه به تناسب و اقتضای محتوا سعی کرده تأثیری را پدید بیاورد که همانند متن عربی آن، صلابت یک نامه و در عین حال شورانگیزی توصیه‌های دنیوی و اخروی آن را در خود دارا باشد.

یکی دیگر از نکات قابل توجه درباره این کتاب مقدمه‌ای است که شجاعی